

حجازی نمی آید
اما
فتح الله زاده می رود

زمان - این مسائل را
حل و فصل می کند
محمود دولت آبادی

کدام جناح
در چالش است ؟
احمد شیروان

پنجشنبه - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲
۱۳ ربیع الاول ۱۴۲۳
۱۵ می ۲۰۰۳
شماره ۵۹
۱۲ صفحه - ۷۵۰ ریال

YAS-E-NO DAILY

۱۱

۹

۲

با صدور بیانیه ای تحلیلی در باره تهدیدات خارجی و شرایط داخلی کشور صورت گرفت

اعلام خطر جبهه مشارکت

در زمان تهدید خارجی باید اصحاب قدرت بیشتر به همدلی با ملت و ترمیم شکاف های موجود بین حاکمیت و ملت بپردازند
جبهه مشارکت صدور احکام سنگین علیه نیروهای ملی - مذهبی را غیر قابل توجیه قضایی و حقوقی خواند

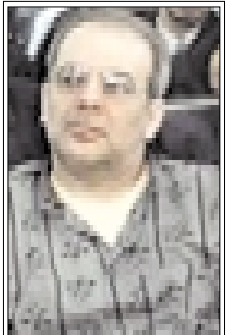
۱- ما چهره های را که با اتهامات سست بنیاد
اعلام شده، محکوم نشده اند عموماً
ادامه در صفحه ۲

این روند واظمتان به بی سرانجام بودن این شیوه ها،
لازم می داند نظرات خود را در خصوص احکام
سیاسی اخیر در مورد فعالان ملی مذهبی اعلام دارد

اصلاحات، بازسازی روابط اجتماعی و
سیاسی گذشته را مدد رسانند.
جبهه مشارکت ایران اسلامی با محکوم کردن

زندان های طویل المدت محکوم کرد.
در چند سال گذشته، بخشی از قوه
قضائیه کوشیده است تا از یک سو با
پرونده سازی های عجیب، نیروهای محوری
در این بیانیه آمده است؛ شعبه ۲۶
دادگاه انقلاب اسلامی تهران با صدور
احکامی ناباورانه که به عنوان یک سابقه
غیر قابل توجیه حقوقی و قضایی ثبت
خواهد شد، تعدادی از فعالان سیاسی را به

گروه سیاسی؛ جبهه مشارکت ایران
اسلامی روز گذشته با انتشار بیانیه ای به صدور
احکام سنگینی که علیه نیروهای ملی مذهبی
صادر شده است اعتراض کرد.



در پاسخ به رأی
دادگاه تجدید نظر صورت گرفت

اعتراضیه

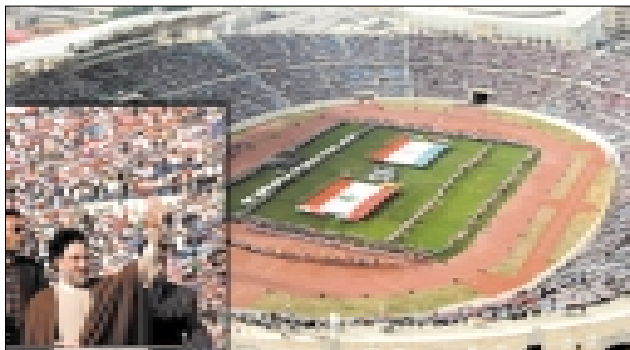
عباس

عبدی به

حکم دادگاه

تجدید نظر

صفحه ۲



استقبال ۶۰ هزار نفری لبنانی ها از خاتمی در ورزشگاه بیروت

خاتمی: مذاکرات
ایران و آمریکا ۲ سال
است که ادامه دارد

صفحه ۱۰

حرف نو

حسن و قبح مذاکره

بدترین نوع خودباختگی و انقیاد، مرعوبیت و تسلیم شدن در برابر بتواره های
خود ساخته است (تعبیدون مانتخون - قرآن کریم) این آفت تنها گریانگیر افراد
عادی نمی شود بلکه گاهی نمجگان و حتی دولت ها نیز از توهمات یا احساسات و
عواطف خود ریسمانی یافته و با آن دست و پا و ذهن و زبان خود را می بندند. در
چنین شرایطی آنان که گاهی پیشتر نهاده و از قید و بندهای ذهنی رهیده اند با جرات
بیان اندیشه خویش را نمی یابند یا اگر بیابند می گویند که آن را در هفت لایه و هفتاد
لقافه پوشانند.

در روزگار سبطه کمونیسم بر کشورهای بلوک شرق کلیشه های مارکسیستی
وضعیتی این گونه داشتند و هیچ کس جرات تشکیک در آنها را نداشت و اگر
می یافت یا به رویوینیسیم و ارتداد ایدئولوژیک تحت تأثیر القانات دشمن منجم
می شد یا اساساً نفوذی دشمن تلقی می گردید. در اتحاد جماهیر شوروی قبل از
خروشچف نیز کسی نمی توانست از همزیستی مسالمت آمیز با امپریالیسم و
سرمایه داری به عنوان اصلی ترین تضاد سخن بگوید. با این همه این تابوها شکسته
شدند اما از آنجا که رودیابستی های دست و پاگیر فرصت زیادی را به هدر داده بود
شکسته شدن دیر هنگام این تابوها هیچ گونه تأثیر گذاری در حل مشکلات مزمن
نداشت.

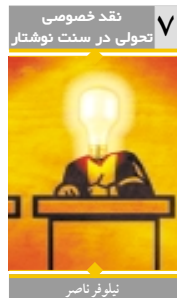
ذهنیت سیاسی جامعه ما نیز سالهاست با تابیوی به نام «مذاکره با آمریکا»
فعل شده و هر تلاش سیاسی یا اقتصادی وقتی به جواسی این بحث نیز می رسد به
سادگی به بن رسیده و ناکام می ماند. اما اندکی دقت و تأمل در مسأله و تحلیل
عقلانی آن نشان می دهد که حساسیت افراطی نسبت به مذاکره با آمریکا مثل ترس
بی مینا از مرده است چرا که اگر مرده می توانست آسیمی به کسی برساند یا اندک
حرکتی از خود بروز دهد آن را دفن نمی کردند.

در واقع مذاکره با عدم مذاکره تنها طریقت دارند و آنچه موضوعیت ذاتی دارد
منافع و امنیت ملی است. اگر منافع و امنیت ملی اقتضا کند مذاکره کنیم یا مذاکرات
در جریان را قطع کنیم باید همان کرد در غیر این صورت نمی توان هیچ گونه اصلانی
برای نفس مذاکره نه با آمریکا و نه با هیچ کشور دیگری قائل شد و اگر مذاکره با
اشغالگران فلسطین به گونه ای استثنایی معنا ندارد تنها از این روست که دولت و
ملت ایران هیچ گونه رسمیت و مشروعیتی برای رژیم صهیونیستی قائل نیست.
همگان به خاطر دارند که در هفت سال از دوران جنگ تحمیلی، جمهوری
اسلامی ایران و رژیم بعث عراق به رغم درگیری های نظامی گسترده روابط دیپلماتیک
داشتند و تنها در سال هتم جنگ بود که روابط سیاسی دو کشور به طور کامل قطع شد.
قطعاً اهل نظر می دانند که رابطه دیپلماتیک به درجات بالاتر از بحث مذاکره صرف
است. آیا برقراری روابط با عراق در دوران جنگ به استیضال یا عزت ملت و دولت ما
لطمه ای وارد ساخت؟

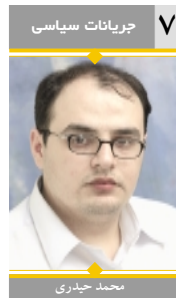
شاید گفته شود عراق تنها ابزار دست آمریکا و ایالات متحده دشمن بزرگ و
اصلی ما بود. سلیمان اما با این مسأله دلیلی بر تحریم ابدی مذاکره با سخن گفتن از
مذاکره با آمریکا و پیگیری قضایی بحث های مطبوعاتی راجع به آن می شود؟ اگر
چنین است درباره فرازهایی از خاطرات ریاست مجلس و وزیر خارجه جمهوری
اسلامی در دوران جنگ تحمیلی چه می توان گفت که روابط اقتصادی و حتی
خرید تسلیحات از ایالات متحده را در آن دوران تأیید می کنند. قطعاً هیچ کس نمی
تواند این اقدام را نقطه نماید زیرا منافع و امنیت ملی ایران مقتضی آن بوده است.
اینگ رئیس جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان دومین مقام رسمی کشور در
جریان بودن مذاکرات دو ساله ایران و آمریکا را تأیید کرده اما همچنان در ذهنیت
سیاسی بسیاری از افراد، مذاکره با آمریکا امری حرام و نزدیک ناشدنی تلقی می شود.
بارها و بارها گفته شده جنگ هنگامی آغاز می شود که سیاست به پایان رسیده
باشد و جنگسالاران هنگامی باید راهی میدان می که شوند که سیاستمداران در مذاکرات
دیپلماتیک به بن بست رسیده باشند. مفهوم مخالف این گزاره خرمدانان این است که
وقتی جنگی در کار نیست همچنان می توان و باید مذاکره کرد و سیاست ورزید. در
چنین شرایطی بن زدن از مذاکره و سیاست ورزی به جهت ترس از نابود شدنی تنها
به منزله از دست دادن فرصت ها و زمین نهادن ابزارها برای جلب منافع ملی و دفاع
از امنیت ملی است و به هیچ وجه قابل پوشش و بخشش نخواهد بود.



ترجمه: نیما علیزاده



تیلوثر ناصر



محمد حدیدی



گفتگو: امین یزدرکیان

وضعیت اشتغال در ایران

شرایط نامطلوب نتایج نگران کننده

مقاله ای منتشر نشده از زنده یاد دکتر حسین عظیمی

آنچه می خوانید، نوشته ای از دکتر حسین عظیمی اقتصاددان صاحب نام کشور مان است که هفته گذشته در سن ۵۷ سالگی بر اثر بیماری سرطان درگذشت. دکتر عظیمی تحصیلات دانشگاهی اش را تا دوره فوق لیسانس در دانشگاه تهران گذراند. بعد از آن به دانشگاه آکسفورد رفت و در رشته اقتصاد توسعه با رتبه ممتاز، دکتری گرفت. بعد از بازگشت، مدتی مدیر دفتر آموزش سازمان برنامه بود و بعد از آن مدیریت گروه اقتصاد و علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد را به عهده گرفت و در دوره دکتری به تدریس پرداخت. با ادغام مرکز آموزش مدیریت دولتی و مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، دکتر عظیمی به ریاست آن انتخاب شد و حاصل کار او زمینه سازی برای تدوین برنامه چهارم توسعه بود که در همایش چالش ها و چشم اندازهای توسعه ایران در اواخر سال گذشته به بحث گذاشته شد. متن حاضر، مقاله ای منتشر نشده از آن زنده یاد است که چندی پیش، تنها بخش کوچکی از آن پس از بازبینی ایشان در یک نشریه تخصصی بازتاب یافته است. نثر به اهمیت دیدگاه های مطرح شده در مقاله و در بزنگاشت خاطر آن استاد، متن کامل این مقاله در پی می آید. در این مقاله دکتر عظیمی به بررسی وضعیت اشتغال و تولید سرانه ملی پرداخته است.

در مورد ایران و یا هر کشور دیگری در این دوران، ثروت این گونه تعریف می شود که چه تعداد نفر -ساعت کار در اختیار آن جامعه است، این تعداد نفر-ساعت کار که در اختیار آن جامعه است ضرب در بازدهی اقتصادی به کارگیری هر ساعت کار، کل تولید جامعه را می سازد. اگر کل تولید جامعه را به کل جمعیت آن تقسیم کنیم تولید سرانه به دست می آید. اگر از این دیدگاه به وضعیت ایران توجه کنیم، خواهیم دید که هم اکنون در کشور ما حدود ۱۸ میلیون نفر نیروی کار داریم، اگر هر یک از این ۱۸ میلیون نفر سالانه ۲۰۰۰ ساعت کار کنند ۳۶۰۰ روز و هر روز ۸ ساعت، کل ثروت پویای در اختیار

جامعه ما در شرایط حاضر ۳۶ میلیارد نفر ساعت کاری خواهد بود. حال باید بررسی کرد که از این ثروت بالقوه (یعنی ۳۶ میلیارد نفر ساعت کار) چقدر و چگونه استفاده می کنیم؟ می دانیم که از این ۱۸ میلیون نفر، حدود ۱۵ میلیون نفر شاغل و ۳ میلیون نفر بیکار هستند. اگر این ۳ میلیون نفر بیکار را ضرب در ۲۰۰۰ ساعت در سال- یعنی تعداد ساعتی که می توانستند کار کنند- نمایم، خواهیم دید که ۶ میلیارد ساعت از این ثروت به علت بیکاری تلف می شود، اما موضوع به همین جا خاتمه نمی یابد.

فرش در بازار تهران هم اکنون حدود ۶۰ میلیون ریال خرید و فروش می شود، حتی اگر فرش این شهر را با همین قیمت صادر شود، حدود ۷۵۰۰ دلار ارز برای ما به همراه خواهد آورد. اما همه این ۷۵۰۰ دلار به کار چن افرای مشغول کار و تلاش و زحمات هستند ولی حاصل کلی فعالیت آنان برای جامعه در حد صفر است و چیزی به تولید ملی اضافه نمی کنند. این مقوله ۱۰ میلیارد ساعت را در بر می گیرد، اگر این عدد را به عدد ۶ میلیارد ساعت قبلی اضافه کنیم، اتلاف ثروت ملی ناشی از دو مقوله بیکاری و اتلاف بیکاری پنهان در جامعه ایران به ۱۶ میلیارد نفر ساعت می رسد، اگر این ۱۶ ساعتی که در اختیار داریم، کم کنیم، ۲۰ میلیارد نفر ساعت کار مولد یا مفید برای جامعه باقی می ماند، به این معنی که هر سال بیکاری پنهان و آشکار از دسترس ما خارج می شود و در حقیقت تلف می شود.

به جز این، وضعیت کار مولد باقی مانده نیز چندان مطلوب نیست، به این معنی که بازدهی این بخش از ثروت جامعه هم فوق العاده کم است، معادلی مختلفی از نظر از شاغلین ما در صنعت فرش دستباف کار می کنند، این یک میلیون نفر معادل دو میلیارد نفر ساعت از ۲۰ میلیارد نفر ساعت کار مولد، یعنی حدود ۱۰ درصد کار مولد جامعه است، ولی همانطور که می دانیم بازدهی این صنعت فوق العاده ناچیز است، البته تلاش و زحمات قالیبافان بسیار زیاد و جانکه است ولی بازدهی اقتصادی این کار نیست، قالی باف ما از جان ما به می گذارد تا یک فرش هنری بسیار زیبا تولید و ارائه کند اما این قطعه هنری زیبا وقتی صادر شد چه مقدار ارز نصیب کشور می کند و با این مقدار چه چیزی می توان وارد کرد؟ به زحمات عالی مثال یک جفت فرش ترک و ایریشم ۷۰۰ ریج تبریز را که واقعاً یک قطعه هنری اصیل است را در نظر بگیریم، این یک جفت قالی (مجموعاً ۱۲ متر مربع) به چه میزان از قالیبافان ما نیاز دارد؟ بررسی های شخصی من نشان می دهد که باید چهار نفر قالی باف هنرسلو و نیم زحمت یکشنبه تا آن یک جفت قالی باید شود، یعنی ۶ نفر-سال برای یافت یک جفت قالی لازم است، این

سرانه متوسط در ۱۰ کشور صنعتی چیزی حدود ۲۵۶ میلیون دلار بوده است، یعنی حدود ۳۵ برابر تولید سرانه کشور ما، می بینیم که تولید سرانه ما در این سال حدود ۲/۸ درصد متوسط تولید سرانه ۱۰ کشور صنعتی جهان است، چرا؟ آیا ما کم زحمت می کشیم و آنها زیاد؟ آیا آنها همه نابغه اند و ما کورون؟ آیا سرزمین آنها بسیار غنی و سرزمین ما بسیار فقیر است؟ می دانیم که پاسخ به همه سؤلهای بالا منفی است، پس چه شده است؟ آیا ما نفرین شده ایم که جان کشیم و بیچاره و بدبخت و ماییم و آنها قوم پرگزیده هستند که از سطح رفاهی بسیار بالای ناشی از تولید سرانه برخوردار باشند؟

وقتی تولید سرانه محدود باشد طبیعی است که مشکلات دیگری بروز می کند، مثلاً اگر بخواهید در یک جامعه سطح رفاه را بالا ببرید یا بخواهید سرمایه گذاری کنید، چاره ای ندارید جز اینکه از تولید سرانه استفاده کنید، اگر بخواهید بودجه دولت را تأمین کنید باید از همین تولید سرانه استفاده کنید و طبیعی است وقتی تولید سرانه محدود باشد دِچار مسأله می شویم، بودجه دولت دچار مسأله می شود، سرمایه گذاری دچار مسأله می شود، رفاه مردم دچار مسأله می شود، وقتی سرمایه گذاری دچار مسأله شد، بر وضعیت اشتغال تأثیر می گذارد و بیکاری زیاد می شود، وقتی بودجه دولت دچار مسأله شد، دولت مجبور می شود به طرف جبران کسری بودجه برود که این امر تورم را به دنبال دارد، به علاوه این مسأله کلی نظام اجرایی دولت را نیز در هم می ریزد.

به طور خلاصه اقتصاد ما دچار ضعف شدید تولید سرانه است و این ضعف همه ابعاد اقتصاد ایران را در بر می گیرد و مشکلاتی نظیر بیکاری، تورم، کیفیت کالا، قیمت دلار، معیشت و راه به دنبال خواهد داشت.

در شرایط عادی و بر اساس موارد دنیا، باید ایجاد حداقل حدود ۴۰ هزار جیمیت در بازار کار باشند و حداقل حدود ۹۵ درصد از آن افراد شاغل باشند، بر این مبنا ما ۲۵/۸ میلیون شاغل داشته باشیم که تولیدکننده باشند و زندگی اقتصادی جامعه را تأمین کنند. اگر متوسط ساعت کار در سال فرض را ۲۰۰۰ ساعت باشد (۲۵۰ روز، روزی ۸ ساعت) معنی آن این است که زمان در اختیار جامعه ۶۸ میلیون ایران برای کار و تلاش عادل ۵۱۷ میلیارد ساعت

وضعیت ایران است، پس یک دهم مشکلات مربوط به نهادها و سازمان های ما است، نهادها و سازمان های که باعث می شوند مجبور باشیم با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم کنیم تا نتیجه کوچکی را به دست آوریم، اگر به نظام و سیستم ارتباطات، سیستم پیگیری کار در ادارات دولتی، نظام و سیستم قانون گذاری، نظام و سیستم قضایی و نگاه کنید خواهید دید که در همه این نهادها، دچار مسأله و مشکل نهادی هستیم

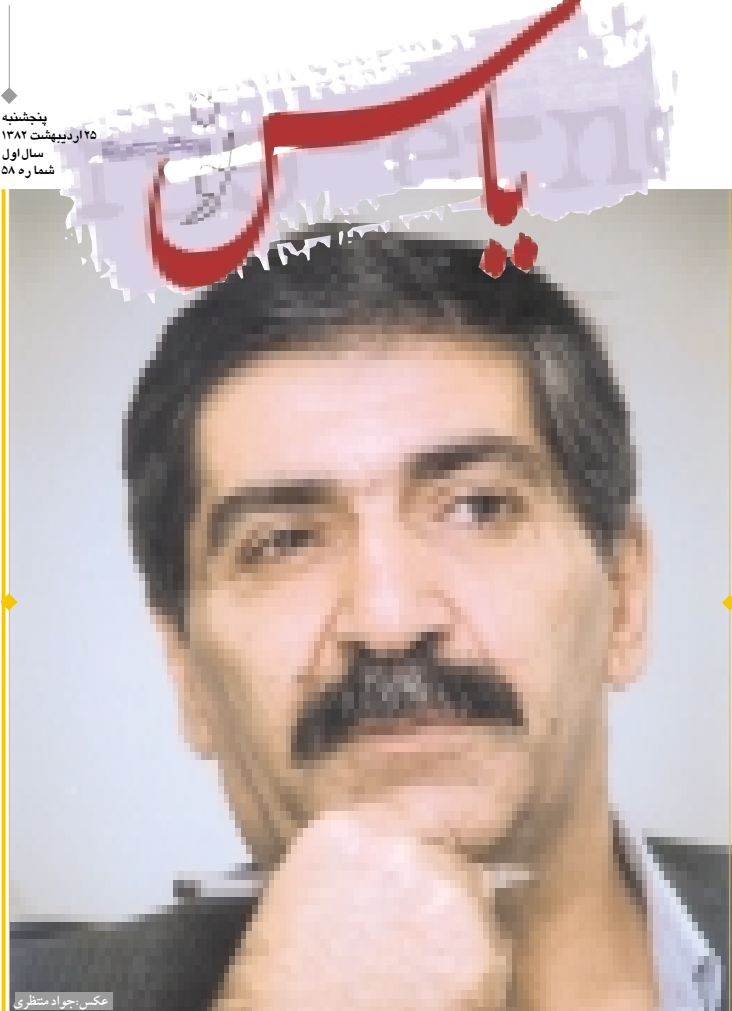
و این مسائل و مشکلات در همه جا موفقیت را متوقف و بازدهی را کم می کند. داستان توسعه نیافتگی اساساً همین است، توسعه نیافتگی یعنی مشقت زیاد و تلاش فراوانی که عملاً به شکست می انجامد و یا به نتیجه ای بسیار محدود می رسد.

وضعیت دانشگاه های ما مثال خوبی در این زمینه است، در طی سال ها، تقاضا برای آموزش های دانشگاهی در ایران بسیار زیاد بوده و هست، دولت در پاسخگویی به این نیاز، دانشگاه های متنوع و مختلفی اعم از دولتی و غیرانتفاعی به وجود آورده به کمک کرده است که به وجود آید، به این ترتیب آموزش های دانشگاهی کشور به صورت کمی گسترش فراوانی پیدا کرده است ولی نتوانستیم کیفیت را همراه آن رشد بدهیم، لذا عملاً کیفیت ها پایین است، حاصل کار چیست؟ آیا این پدیده جز به این زحمت از نظر آموزشی بازده فوق العاده معنات که حجم بالایی از نفر-ساعت وقتی که در اختیار جامعه است؟ چون ساختار نرفساعت صرف تدریس در کلاس ها و یا کارهای آموزشی و می شود، ولی این همه زحمت از نظر آموزشی بازده فوق العاده معنات که حجم بالایی از نفر-ساعت صرف می شود؟ صرفاً ناشی از مثلاً چرایی این بازده ناچیز است؟ چون ساختار دانشگاهی کشور آنطور که باید رشد کیفی خود را پیدا نکرده است، این نوع مسائل مربوط به علت بلند مدت یا علل ساختاری هستند که به توسعه نیافتگی سازمان ها و نهادهای عمومی کشور معطوف می شوند.

تأکید می کنیم که این مشکلات در سازمان ها، نهادهای کشور مربوط می شود و مشکلاتی نیستند که صرفاً ناشی از مثلاً کمبود سرمایه گذاری باشد، به همین دلیل است که در خیلی از جاها سرمایه گذاری صورت می گیرد ولی بهره وری لازم به دست نمی آید، چون ساختار پیشرفته و سرمایه انسانی لازم، مدیریت توسعه یافته علمی، ساختار مناسب حمل و نقل و بسیاری موارد دیگر وجود ندارد.

عده این مشکلات از سازمان ها، نهادها و تشکیلاتی است که در جامعه ایجاد شده است، به جز این در مدیریت ترافیک و عمومی ضعف وجود دارد، یعنی چارچوب های مقرراتی مدیریت، سازمان های که برای مدیریت ایجاد شده اند و افرادی که مدیریت می کنند و نظام های مدیریت برای این انجام می گیرد، همه دچار مسأله است.

ادامه در صفحه ۸



عکس: جواد مستظری

یک سری از سازمان ها و نهادهای لازم توسعه ای، یا در کشور وجود ندارند یا درست ایجاد نشده اند... مثلاً مؤسسات نظریه پردازی که تقریباً می توان گفت در سطح کشور اصلاً وجود ندارند. مثال دیگر اینکه کشور دارای احزاب جافقاده ای نیست و شوروی که دارای احزاب جافقاده به مفهوم کیفی خود نباشد نمی تواند سیاستمدار خبره پرورش دهد. اگر سیاستمدار خبره و نوآور وجود نداشته باشد تصمیماتی که در این حوزه گرفته می شود تصمیماتی است که بازدهی کل جامعه را به شدت پایین می آورد



می‌گویند بیا مثل یک دوست اعتراف کن!

منتع، جاه به جاه- نوشته رضا رهنی

دکتر می گفت: «باینها گاهی از عواطف خود سوء استفاده می کنند، گاهی از عواطف نسبت به اعضای خانواده اش، و گاهی از عواطف نسبت به همسایه هایش، گاهی تهدید به اعدام می کنند، گاهی از ثواب آخرت حرف می زنند، قسمت می دهند، خفتش می دهند، شکفته ات می کنند، می بوسند، بهت میسازن، بیسار می ناهار و شام تعارف می کنند، بعد ناگهان بلند می شوند و محکم می زنند تو گوشه...و بعد می گویند: لطف کن، ملکی را در باهات حرف می زنی، می یامل یکم دوست برای یک دوست دیگر اعتراف کن! فردا آزاد می شوی» که در حالی که جریان اصلی تازه بعد از اعتراف شروع می شود...»

دکتر دستهایش را زیر سرش می گذاشت، ساعت ها سقف بلند سلول را نگاه می کرد و می گفت: «این قیل ادا بر یارون کمتر می توان دید، چشم های هیچ کس شبیه چشم های اینها نیست، شاید هم دیون خلیلم کی می خوانند، شب و روز کار می کنند، یعنی با جوی می کنند، شکجه می دهند، مدام بد و بیراه می گویند به این روز افتاده خستگی کار گراهایی که بیست و چهار ساعت مدام کار میکنند، از خستگی اینها کمتر است، خستگی کارگر ترجم آدم را جلب می کند، آدم از خستگی اینها نفرت می کند، لابد به این علت است که کسی که سبلی می زند، دستش سبلی هم می خورد»، دکتر اینها را می گفت، من اوایل اصلاً جرأت فکر کردن درباره این اشخاص را نداشتم، شاید آدم های بانجره جرأت نکردند درباره این قیل اشخاص را بیاورند، دکتر با احساس ترجم می گفت: «این بدبخت ایام احق از ما هم ایرنند، از ما هم برده نند! آزار یعنی چه؟ این هم شد کار، که آدم زندگی و زن و بچه اش را دل کند، شب و روز توی اتاق نمیشیند، با یخ گش اتفاق نمیشین، سه سالی یکخواخت بکنند، جواب های یکخواخت بشنود، شایق بزند، شکجه بدهد، از روی ناچاری و در حبس یک کس و طیفه شناسی احقانه، هر چه فحش است به همه بدهد، که چی؟ آخر این هم شد کار؟» دکتر اینها را می گفت و سقف را نگاه می کرد...

دکتر می گفت: «موقعی که حتی یک برگ کاغذ سفید را در این مملکت نمی توان از آذانه چاپ کرد، جطور می توان به ازش، پلیس، حتی به خود سازمان امنیتی ها گفت با یا قرب خورده ایم، هم خودتان قرب خورده ایم و هم دیگران را قرب بداید، و اصلاً وظیفه ای در کار نیست و از موقعیتی دفاع می کنید که به ضرر خودتان هم هست»، دکتر می گفت: «باید کاری کرد که آن نوع درونی پیقه همه آدم های دستگاه شاه را بگیرد، ولی جطور؟ باید یک فضای آزاد ایجاد کرد؟ باید کاغذ به دست آورد،» دکتر می گفت: «ارزش قلم از تفنگ بیشتر است، انقلاب مشروطیت این را نشان داده، کاغذ اگر زبان داشته باشد، از هر چیرگی، چریک تر است، قلم بهترین چریک هاست، بیخود نیست که دولت زبان نوسنده های مملکت را بپزید،» بهش می گفتم: «در چرا خیالاتی شدی، کاغذ و قلم از آذر، از آذر برای گفتن حرف ها در کوچه می توان گیر آورد؟» می گفت: «آره اینها هم باید یونید، باید حرف زد، هم توی زندان و هم بیرون زندان، هر آدم فهیمه ای باید از پیشانی یک قلم بسازد، حتی اگر زبان سرسب سبز سبز را بر باد دهد»، می گفت: «اگر آن روز عزیز می از سر چیده شدن این کاشفانکار از من نینم، پیچام که خواهد دید»، دکتر اینها را می گفت...

ادامه از صفحه 5

وضعیت اشتغال در ایران

بنابر این یک دسته مشکلات ساختاری است یعنی یک سری از سازمان ها و نهادهای لازم توسعه ای، باید وجود و خود را بندها درست ایجاد نشده اند. این سازمان هایی که وجود دارند معلوم است که نمی تواند درست کار کند، اکثریت سازمان های همین کشور، دانشگاه ها، مدارس، مجلس، دانشگاه ها و زمره همین سازمان ها هستند که دچار مسائل بنیادی و ساختاری هستند. سازمان هایی که وجود دارند زیادند، مثلاً سازمان هایی که باید انشعاب های خیره و ناآور پرورش دهند مثل موسسات پژوهش و پژوهش های بنیادی، اما در کشور ما هیچ کشور استوار وجود ندارند، کشورهایی که موسسات پژوهش و پژوهش های بنیادی هستند نمی تواند باشند، پژوهش دهند و دانشمند ندارند. پژوهش های بنیادی هستند ندارند از نوآوری های علمی محروم زمانی که که شما از نوآوری های علمی محروم می شوید مسلماً از بازدهی لازم در ابعاد مختلف زندگی محروم می شوید.

مثال دیگر اینکه کشور دارای احزاب جاثقاده ای نیست و کشوری که دارای احزاب و نهادهای لازم توسعه ای، باید وجود داشته باشد، سیاستمدار خیره پرورش دهد، اگر سیاستمدار خیره و ناآور وجود نداشته باشد تصمیماتی که در این حوزه گرفته می شود تصمیماتی است که بازدهی کل جامعه را به شدت پایین می آورد.

دسته دوم مشکلات عرضی، که تازه مدت و تصادفی هستند، به عنوان مثال اقتصاد ما به نفت وابسته است و متغیرهای اساسی این صنعت در تمامی زمینه ها، اهم از سرمایه گذاری و تکنولوژی، قیمت، مقدار تولید، بازارهای جهانی، مصرف، وسایل حمل و نقل، ذخایر موجود نفتی، معدناً به متغیرهای جهانی وابسته است و از حوزه تصمیم گیری ملی خارج است، یعنی بسیاری از مسائل اقتصادی کشور ناشی از تصمیمات جهانی است و در اختیار ما نیست و همین امر نوسانات غیرارادی بسیاری را برای اقتصاد کشور به بار می آورد، حادته تئوریتیک ۱۱ سپتامبر در آمریکا اتفاق افتاد و بحرانی از اقتصاد جهانی بدید آورد، بحرانی که به ما مربوط بود و ما در آن خال داشتیم، ولی این بحرانی، ناشی از تصمیمات جهانی بود و ما در آن کاهش داد و بر اقتصاد ما تأثیر گذاشت، هنوز هم این حادثه ممکن است که به صورت مختلف در آینده بر اقتصاد ما تأثیر بگذارد، در این زمینه می توان به عنوان معتمد دیگری اشاره کرد، به عنوانی پژوهش و پژوهش های خنکسلی، نولات افغانستان و این دسته مسائل که تازه مدت و از ابعاد اقتصاد می هستند که ممکن است نوسانات از اقتصاد جهانی و از سایر حوزه ها به ما منجمع شود، به علاوه چون اقتصاد ما اقتصاد وابسته و ضعیفی است نمی تواند به راحتی این بحران را تحمل کند.

در این انتخابت جامعه روحانیت مبارز تهران و گروه های هسوی آسپاخره موفق شدند که اکثریت مجلس را نیز در دست بگیرند، از آنان که آن پس تنها به پیشانی خود داشتند که این امر چهره خود را نشان می داد، اختلاف داشتند که همین مسأله بعدها با ماجرای سرشست ساز نیز تبدیل شد.

دانشجویان همیشه از دید استناد خود در خارج از کلاس درس هیجان زده می شوند، به عنوان مثال اگر افتخار آنها را در محیطی فیزیکی یا در خانواده ببینند ممکن است شگفت زده بپرستند، «استاد بیرون از کلاسی درس، زندگی هم می کند؟» احساسی مردم است توأم با نوعی شادی شیطنت آمیز، به یاد در واقع استاد هم از پشت مشز که بلند می شود، به دنیای واقعی ملموس باز می گردد و بیرون از آن زندگی ای خصوصی، را دنبال می کند، از خارج از ذهن، جسمی نیز دارد.

در این موضوع حقیقتی نهفته است که نقد خصوصی به پایه آن قرار دارد، نقد خصوصی، که گاه از آن به عنوان نقد خوزندگی نامه ای یاد می شود، عبارت است از وارد کردن زندگی در متن که در آن نوسنده ازادی تمام در بیان تجربه های شخصی و خصوصی خود می بداید، به عبارت دیگر تنها نقدی است که خود واقعی و ملموس و فیزیکی نوسنده در آن فرصت بپزد می بداید.

تا همین دوره اخیر، تنها جسورترین منتقدین جرأت چنین حرکتی را داشتند، تئوری های ادبی و نگارش های محافظه کارانه به نقد، مخلف آن بود، زبان آکادمیک نوشتاری با زبان علمی، زبانی اثرهای و عاری از احساسات بود، که علاقی جسمی و

تا همین دوره اخیر، تنها جسورترین منتقدین جرأت چنین حرکتی را داشتند، تئوری های ادبی و نگارش های محافظه کارانه به نقد، مخلف آن بود، زبان آکادمیک نوشتاری با زبان علمی، زبانی اثرهای و عاری از احساسات بود، که علاقی جسمی و

عاطفی در آن اجازه ورود نداشتند، اما سال های اخیر، هر روز منتقدین بیشتری یکی پس از دیگری به بهره گیری از تجربه های شخصی و خصوصی خود در نوشتار آکادمیک روی می آورند و به این طریق به آن شادابی، زندگی و صمیمیت می بخشدن این نوع نقد همچنین در محافل علمی و دانشگاهی، منجر به رویکردی تازه به خوانندگان، موضوع مورد مطالعه، روش تحقیق و چگونگی نتیجه گیری شده است.

نقد خصوصی یا خوزندگی نامه ای، خود در داخل جریان روزگزر دیگر نویسندگان تازه در سنت نوشتاری قرار می گیرد، امروزه حضور روزافزون مکاشفه های شخصی در انواع مختلف علمی، معنای نوشتاری، مانند مقاله نویسی، نقد نویسی، روزنامه نگاری، نشر کتاب و سایر نوشتارهای رسمی در مطوعات و تکالیف دانشگاهی مشهود است، در حوزه های ادبیات این نوع رویکرد علاوه بر نقد خصوصی و نقد خوزندگی نامه ای، با نام های چون نقد روایی، نقد عموئی، نوشتار انتقادی تجربی نیز ممکن است خواننده شود، از اساتذ هلر روزنامه نگار، معتقد است که «ادیتب جدید که در نظر عاطفی و سیاسی درگیر است، معمولاً خود «آزادانه عناصر شخصی را با تخصص های پژوهشگرانه می آمیزد».

یکی از ظرفیت ها مهم نقد خصوصی، امکان وارد کردن ژانرهای مختلف ادبی مانند شعر و روایت داستانی، به داخل متن تئوریک و خوزندگی نامه ای است، به همین دلیل است که این نوع نقد جنبه های حسی زبان، مانند موسیقی او، آهنگ استعاره و تشبیه می تواند با کارهای گاهه بالایی زیبایی شناسانه ارائه شود، زیرا نوسنده در عین حال که روی موضوعی متمرکز است، خود را نیز بیان می کند، به نوعی «اجرامی است» تلقیق زبان های تئوریک و شاعرانه با کارهای گاهه ها به وجهی باهوش و سوسنده که معمولاً آنی است، صورت می گیرد، در این نوع نقد، مانند یک اثر ادبی، معمولاً نوسنده نمی تواند الگوی اثر پیشین شده برای نوشتارش داشته باشد، این (ملاحظات، هستند که ازجحت می بیاید، هم چنان که جزئیات به جای کلیات و مفاهیم انتزاعی، نقش برهنه ای می بیاید.

نباید تصور کرد که نقد خصوصی تنها به بیان ناخودآگاه منتقد اکتفا می کند یا برخاستن به جنبه های هنری و تجربه های خصوصی از آن توجه همه جالبه به موضوع بانی دارد، به برعکس، لزماً این نوع نقد آن است که نوسنده خود را در مسیر بحث، مانند مسائل روز قرار می دهد و نظریه و تاریخ را با تجربه های شخصی خود درامیوز، چنین نقدی نوعی تعامل را می بدید که نوسنده در عین حال که در تجربه خصوصی خود را به موضوعی حرف می زند، بتواند بررسی دقیق را به خود بخرد، و جهت گیری های آگاهانه دیگران را نیز داشته باشد. امتیاز دیگر نقد خصوصی، قابلیت زیاد برای ورود و خوانند، ظرفیت بالای ارتباطی آن است، در واقع این نقد بسیار جذاب است، وارد کردن تجربه های خصوصی یا زبان شاعرانه در داخل متن تئوریک، با هنگام بحث راجع به موضوع غیر خصوصی و عام، متن را خواندنی می کند، با یک آذانه تئوریتیک به عنوان می بداید، ۴۰ دقیقه راجع به موضوع کلی صحبت کرد، در آن ۴۰ تنها ۱۰ دقیقه راجع به تجربه شخصی خودتان بگویند، خواهید دید که تنها همان ۱۰ ثانیه واکنش آنی عاطفی شنونده را برخواهد انگشت و کنجکاو و او برای دانستن چیزهای بیشتری از شما تحریک خواهد کرد، نقد خصوصی در واقع فرصت ارتباطی صمیمی میان خواننده و نوسنده را فراهم می کند، مانند آن که دوستی را برای صحبت راجع به موضوعی به منزل خود دعوت کنید، و همین است که نقد خصوصی در این عین متفقا بودن، به بهتر تبدیل می کند.

نقد خصوصی

ماریانا تورگونسکی، در مقاله ای با عنوان نوشتن تجربی مبتدیان، بر این نکته پای می فشرده که منتقد باید دیک نوسنده را، نقادی، تنها یک منتقدگر نوسندگان می خواند که مردم آثارشان را بخوانند باید انتعاف پذیر باشند و فرصت بایی پیش از آن که سبکی های پژوهشی استاندارد و اجازه می دهد، برای خود به وجود آورند، لذا معمولاً باید صریح تر و شخصی تر باشند،» به نظر تورگونسکی نوشتن یک نوسنده هواره شخصی است، چه خوزندگی نامه باشد یا نه، چنین نوشته ای حتی اگر نخواهد و اعتنایی از زندگی نوسنده باشد، مانند نوشتار، نوسندگانی را که این گفتا کند، چهزایی از نوسنده را بالاخره به خواننده می فهداند چیزی که برای هر ارتباط واقعی ضروری است».

رنشها

اگرچه نقد خوزندگی نامه ای تحولی در نوشتن آکادمیک محسوب می شود، اما به برخی سنت های مقاله نویسی و به خصوص به برخی ایده های موج دوم فمینیسم مدیون است، به عنوان مثال، فمینیست های فرانسوی که لوس اریگری، هلن

جریان های دیگری نیز کارکردهای جنسیت در سنت های نوشتاری را مورد نقد قرار داده اند، به عنوان مثال اکسبریسونیست ها که در برنامه های آموزش انشاء، مدافع نوشتاری درحال حرکت بودند و نه محصولی کامل، این کارکردها را برهنه کرده اند، پترالیو، نوشتن فرمولی و از پیش طراحی کنده را پیروی از نرم های مرد مسالارانه دانسته است، او در نوشته ای طنزآمیز اضطراب درونی مردی را، این گونه به نوسنده توصیف می کند: «فدین من دارد نرم و سست می شود، قفلدر نیز شده است، نکند بفنقد، نه امن معارهای بزرگی دارم، من قوی خواهم بود، استدلال های من با قدرت روی پای خود خواهند ایستاد».

پرهیز از بیان احساسات شخصی و یا هرگونه زبانی که کارکرد عاطفی داشته باشد، مانند روایت، نوسندگانی را که این چنین می نوسند از نوشته خود دور می کند، آنها سعی می که خارج نوشته هایشان دنیایی کاملاً درونی برای خود بسازند تا در آنجا احساساتشان را دیده بپنهان کنند، اینها یاد می گیرند که به تنهایی عشق بورزند، برای این افراد نقد خصوصی می تواند راحلی باشد.

دلیل دیگری که برای گرایش های جدید به نقد خصوصی



تحولی در سنت نوشتار

نیلوفر ناصر

از خود زندگینامه ای ذکر می کنند، بدیده چند فرنگی است که به خصوص در آمریکا بدیده آمده است، فلیپ لوب تا توجه به این حرکت نامزد منزلت مجلس خبرن را، کار دافع، به مجلس انتخابت او را رقم زد، در فقدان این تغییر نیز که به دلالتش به اتفاق افتاده است، جنگلی از یک جریان سیاسی بودند، علی اکبر حتمتی پوی طقی، در مجلس شورای اسلامی به این مسأله اعتراض کرد تا تأکید داشت: «این حرکت کارنام مقامات مجلس خبرن را، کار دافع، به مجلس انتخابت گشته بود، اما می گویم صلاح نیست نظار و کنایدها یی باشد و این حرف به هیچ وجه به معنای بدادن قولن آفایان نیست،» لیکن اعتراض ها به نتیجه نرسید، آیت الله خلری و همین زمان اعلام کرد که کتاب هایی برای امتحان علمی مشخص شده و در امتحان سخت تر نخواهد شد، مشخص بود که بسیاری از کنایدها حاضر به شرکت در چنین امتحانی نخواهند شد، قرار بود کسانی که در امتحان کنشی نمره لازم را دست آورده اند، در امتحانی نیز شرکت کنند، اما این چهره های سرشناس ایران شورا را، قضاوت خود را در امتحان و شامل تمامی مراحل اجرایی، اسدالله ابائی، علی اکبر حتمتی پوی و دو رباتر تا کار رفتند، سیدعلی خامنه ای در همین زمان طی تلفنی در مجلس پیشنهاد کرده بود، اگر «واقعاً حضور ما در انقلاب به صلاح آینده کشور نیست، صریحاً و مرانه بگویند که باید کنار کشیم،» بریریم می کارمان، به هم به عنوان خبرخواننده برای انقلاب از این کتابت خبر می شنید، انتخابات دومین دوره مجلس شورایگان، شانزدهم مهرماه ۱۳۶۸، برگزار شد که در آن حدود سه و هفت درصد درصداً بر شرایط رای داده بودند، این ماجرا، سرافاز حذف جریان چپ در انتخابات های بعدی بود.

در اوایل کار سومین دوره مجلس شورای اسلامی، آیت الله رضوانی، رئیس هیأت مروتی نظارت شورای انگیهان و شورای اسدالله ابائی، استفسارهایی نظیر شورای انگیهان را در باره تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی، درباره نظارت این شورا بر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری -ا برسید این شورا در نظارت خود را در امتصاوی و شامل تمامی مراحل اجرایی، از جمله دیدن و درصلاحت نامزددهای انتخابی اعلام کرد، این تفسیر بود که در مجلس شروع شد و قانونی درباره آن تصویب شد، از این همان دوره به اجرا گذاشته شد و در اولین مرحله حلد چهل تن از نمایندگان مجلس سده که کنایدها شرکت در رقابت های مجلس خبرن کردند بودند، درصلاحت چهل تن در درصلاحت به عموماً گراش کسان را گرفته بودند، به هم به ایران چیرگی انگیهت نزدیک بودند، بعدها در سال ۱۳۷۲ نمایندگان مجلس خبرن که سید محمد خاتمی، وزیر ارشد نوشتار حتمتی را ناچار کرد که در ۱۳۷۰ استعفا کند، او آخرین بازمانده مجمع روحانیت مبارز در ساختار دولت بود.

در این انتخابت جامعه روحانیت مبارز تهران و گروه های هسوی آسپاخره موفق شدند که اکثریت مجلس را نیز در دست بگیرند، از آنان که آن پس تنها به پیشانی خود داشتند که این امر چهره خود را نشان می داد، اختلاف داشتند که همین مسأله بعدها با ماجرای سرشست ساز نیز تبدیل شد.

مابع:
Aram Vesser (New York and London: Routledge, ۱۹۹۱)
Confessional Criticism" in Confessions of the Critics, ed. H. (H. Aram Vesser, "The Case of Vesser (New York and London: Routledge, ۱۹۹۱)
New Bulletin" in Confessions of the Critics, ed. H. Aram P. Freedman, "Autobiographical Literary Criticism as the (Diane

وارد کردن تجربه های خصوصی یا زبان شاعرانه در داخل متنی تئوریک، یا هنگام بحث راجع به موضوع غیر خصوصی و عام، متن را خواندنی می کند. با یک آزمایش ساده می توانید به آن پی ببرید. ۴۰ دقیقه راجع به موضوع کلی صحبت کنید و در آن تنها ۱۰ ثانیه چیزی راجع به تجربه شخصی خودتان بگویند؛ خواهید دید که تنها همان ۱۰ ثانیه واکنش آنی عاطفی شنونده را برخواهد انگشت و کنجکاو می و برای دانستن چیزهای بیشتری از شما تحریک خواهد کرد

مابع:
Aram Vesser (New York and London: Routledge, ۱۹۹۱)
Confessional Criticism" in Confessions of the Critics, ed. H. (H. Aram Vesser, "The Case of Vesser (New York and London: Routledge, ۱۹۹۱)
New Bulletin" in Confessions of the Critics, ed. H. Aram P. Freedman, "Autobiographical Literary Criticism as the (Diane

شکاف نسلی

در جامعه ایران

مصاحبه با دکتر تقی آزاد ارمکی (بخش پایانی)

گفت و گو: ز امین بزرگیان



نسلی ممکن نیست. می توان این تجربه ها را کم رنگ یا متزلزل کرد، غیر مشروع دانست و یا از بروز آنها جلوگیری کرد و آنها را به تعویق انداخت؛ اما نمی توان آنها را حذف کرد. پس در نهایت ما با جامعه ای با سه نسل فعال مواجهیم که یکی از آنها جمعیت و خواسته هایش در اکثریت است و دوتای دیگر در اقلیت؛ و اگر چه یک نسل تا به حال در سیاست حضور بیشتری داشته، نسل دیگر در جامعه پر رنگ تر نشان داده است.

اگر تجربه شده باشد، بنده معتمد با وجود تفاوت نسلی، ما شاهد تعارض نسلی نخواهیم بود. تفاوت نسلی ریشه در تفاوت تجربه های نسلی و «ایزدهای نسلی دارد. در حالی که بسیاری از تجربه ها و ایزدهای نسلی حول و خوش خانواده و مذهب در دوره خاص محقق شده است؛ پس به جای تعارض، پیوستگی شکل می گیرد.

آقای دکتر: دعوی نسل ها در کجای جامعه بیشتر بروز پیدا می کند؟ سیاست، فرهنگ، اقتصاد یا جای دیگر؟ بهترین جایی که صحنه تعارض با توافق نسل هاست، خانواده است. چون به عقیده من، خانواده در ایران امروز، واحد تحلیل اجتماعی است؛ برخلاف جامعه شناسی آمریکایی که واحد تحلیل آن فرد است. چون خانواده ایرانی اصلی ترین نهاد اجتماعی نواخواه و نوگرا بوده که اگر چه سنت گرا و مبالغه ست ها هم بوده، اما حامی نسل های دیگر بوده است. منظورم این است که اگر چه دعوی پدر و مادرها و پسر ها و دخترها جدی است، اما نزاع درونی خانواده به ویرانی آن منجر نمی شود.

البته تعارض نسلی در خانواده های طبقات بالا یا خانواده های روستایی وجود ندارد، بلکه این خانواده های طبقه متوسط شهری هستند که بیشتر بروز شکاف نسل ها می شوند

این طبقه، اتفاقاً با وجود اختلافات داخلی شان، همگی خواسته های نسل جدید را دنبال می کنند. **✓ یکی از خصوصیاتی که جامعه ای با این پتانسیل اجتماعی بالا دارد، این است که قابل کنش و شدن نیست** و نمی توان آن را جمع کرد. یعنی حتی اگر بتوان معادلات و مسائل اقتصادی را کالانیزه کرد، با حوزه سیاسی را بسته نگاه داشت، حوزه اجتماعی قابل جمع شدن نیست و دائماً استعداد تسری پیدا کردن دارد. به عنوان آخرین سوال، بفرمایید که با تسری یافتن پتانسیل اجتماعی نسل سوم به بدنه سیاسی و اقتصادی، چه اتفاقی می افتد؟

چند نوع اتفاق ممکن است، که به لحاظ تاریخی هم رخ داده است. ممکن است این نسل با نفوذ در ساخت سیاسی موجب تغییر ساختار شده و یا آن را بشکند. در دوره مشروطه و دوره رضاشاه ما همین پدیده را داریم، که نیروی جدید به داخل ساختار سیاسی می رود و کم کم آن را قتل می کند. الان این اتفاق در جامعه ما در حال وقوع است؛ بخشی از این نسل در حال نفوذ در ساخت سیاسی است و ساختار را از پایین سوراخ می کند تا تحول در آن ایجاد شود.

حالت دیگر، باز تعریف مفهوم ایرانی و ملیت است. در این تعریف، جامعه ایران دیگر در محدوده مرزها دانسته نمی شود، بلکه فراتر از مرزهای نسلی می کشد. اتفاقاً باعث تغییر مفهوم مهاجرت می شود؛ یعنی مهاجرت امری موجه می شود و ما یک جامعه ایرانی فراتر از مرزها داریم که بعداً احتمالاً باز می خواهد جمع شود. یعنی مجموعه هایی در دنیا شکل می گیرد که مفهوم ایرانیان بازسازی بشود.

این دو فرایند در حال حاضر در جامعه ما دنبال می شود؛ یکی می خواهد از همین پایین عمل کند و یکی رفته تا دور بزند و برگردد!

اجتماعی می افتد. حوادث جامعه ما بیشتر از سنخ اجتماعی است تا سیاسی و دولت در این حوزه کار چندانی نمی تواند بکند. **✓ اتفاقاً آن تورن هم که به ایران آمده بود، می گفت جامعه ایران جامعه ای است با تحرک اجتماعی بالا و تحرک سیاسی پایین.** به همین طور است. اما آیا این تحرک بالای اجتماعی منتظر دولت می ماند تا بستر های آن را فراهم کند؟ مسلماً نه. دولت معمولاً مقاومت حادی در حوزه سیاسی می کند که آنها هم افعال آن است؛ اما در حوزه اجتماعی که اساساً کاری نمی تواند بکند.

شما یکی از برنامه ریزی های دولتی را مثال بزنید که جواب داده باشد. این نکته منحصراً به حوزه خصوصی هم نیست و حتی در حوزه هایی که در اختیار خود دولت است هم کار موفق انجام نشده است. پس دولت در جامعه ما کاملاً بی قدرت است و این هم به خاطر گسستی است که بین دولت و حوزه اجتماعی رخ داده است. پس نسل ها بیشتر خود را در حوزه اجتماعی نشان می دهند؛ و در اینجا فقط گسست نیست، بلکه پیوستگی و تعامل هم هست. پس باید وضعیت نسل ها را در ساختار پدز سالارانه از نظر اجتماعی و در حوزه اجتماعی دید و آن را از نظام سیاسی پدز سالارانه که در ساختار دولت شرقی تیلور یافته است، متمایز کرد. البته این دو در بسیاری از موقعیت ها به یکدیگر پیوسته است. این نکته منحصراً به حوزه خصوصی هم نمی شود. **✓ به هر حال آنچه این روزها بر نسل جدید تحمیل می شود، تا حدود زیادی برخاسته از خواسته ها و ارزش های نسل قبل است.**

این درست است؛ اما در مجموع من فکر می کنم نسل جدید بیشتر در حال نوعی چانه زنی با نسل قبل است. یعنی خواسته های خود را به حوزه سیاست و خانواده و مانند اینها می برد و نتیجه هم می گیرد.

✓برویم سراغ بحث های جامعه شناسی نسل ها. جامعه شناسان ما در دهه های اخیر، معمولاً تفاوت نسل ها را به یک آسیب اجتماعی تقلیل داده اند و کلاً سعی کرده اند به بارانه برنامه های این مشکل «را حل کنند. به نظر شما آیا اصلاً یک راه حل بیرونی و ارادی برای بر کردن این فاصله و رفع این تفاوت ها، قابل تصور هست؟

درست است که معمولاً جامعه شناسان و سیاستمداران ایرانی به تفاوت نسل ها، نگاه مسأله ای داشته اند؛ اما درباره راه حل ها، در رژیم پیشین هم که کاخ جوانان و مانند آن برای جوانان ایجاد شد، به خاطر این بود که نگاه آسیب شناسانه به این بحث داشتند. یعنی می گفتند جوانان منحرف شده اند و می توان آنها را برگرداند.

رویکرد آسیب شناختی و مسأله ای به جوانان، بیشتر عارضه ایجاد می کند و آنها را عصبانی می کند و فراری می دهد. البته ایجاد راه حل کند. وقتی با جوان به عنوان یک آدم لخم، لالایی، بی دین و سرکش برخورد می کنید، بدتر واکش نشان می دهد.

به نظر من، به جای اینکه بخواهیم جوان را مدیریت و هدایت کنیم، باید همراه او باشیم و در کنار او عمل کنیم. اگر دولت و خانواده بخواهند هوشتندی به خرج دهند، باید در کنار جوانان قرار گیرند. البته خانواده در جامعه ما معمولاً در کنار نسل جوان قرار گرفته و دارد با او حرکت می کند. باید دولت ها و گروه های فشار و وضعیت آسیب گونه ای و انحرافی جوانان را رها کنند تا شرایط طبیعی خود را طی کند. هر چه دولت دخالت کند و بخواهد با دست بردن در کارها و دخالت مکانیکی و تشکیل سازمان و غیره، جوانان را به وضعیت طبیعی مورد نظر سیاستمداران و مدعیان سازماندهی جامعه مکانیکی برگرداند، وضعیت بغرنج تر می شود. تجربه تاریخی ما نشان داده که این رفتارها نتیجه نداده و تجربه دنیا هم نشان داده که مانند ما عمل نکرده اند.

شما حتی اگر به ترکیب جمعیتی جامعه و نسبت جمعیتی نسل ها هم توجه کنید، باید در این طرف قرار بگیرید. جامعه ما مثل اروپا نیست که جمعیت اکثریتی میانسال و پیر بتواند جامعه اقلیتی و بلاتکلیف جوانان را مدیریت کند؛ و اتفاقاً وضعیت بر عکس است. اکثریت جامعه ما جوان است و دو نسل دیگر در اقلیت اند. اگر این طور نگاه کنیم، نیازها، علائق، خواسته ها و گرایش های نسل سوم در مرکزیت همه تصمیم گیری ها بر این تحولات اجتماعی قرار می گیرد. یعنی، ارزش های این نسل مثل نوپایی و نوجویی، جهان وطنی، فردگرایی، اقتصاد آزاد، دموکراسی و مانند اینهاست. پس مناقشات موجود، که عمدتاً هم در حوزه سیاسی هستند، برای این نسل مناقشاتی

باشند. البته باید این را هم بگویم که جهان اجتماعی نسل سوم با جهان اجتماعی نسل دوم متفاوت است ولی نباید این تفاوت را از چندان بنیادین گرفت، همانطور که نسل انقلاب هم با نسل قبل از خود چنین تفاوت هایی را داشت. **✓** اما هر جا که نظام روابط پدز سالارانه ایجاد شده، چه در سطح خانواده و چه در سطح دولت، ما با شکاف مواجه می شویم؛ یعنی یک فرانت در نهایت حاکم می شود. ما نمی خواهیم بحث سیاسی کنیم. یک بحث اجتماعی داریم، که در لایه های اجتماعی آن را پی می گیریم. **✓** بحث من هم سیاسی نیست می خواهم در باره خانواده بحث کنم. در خانواده های گذشته، ارزش ها و هنجارهای از طرف پدر و مادر و یا حد اکثر گروه همسالان حاکم می شد که فرزندان تحت تأثیر آنها در یک سیستم هماهنگ روابط اجتماعی، «اجتماعی» می شدند. اما نسل امروز، از یک طرف با رسانه های جمعی و اینترنت و ماهواره در ارتباط است و از یک طرف با پدر و مادری مواجه است که با این ارتباطات جدید آشنا نیستند. پس در اینجا یک تضاد شکل می گیرد. از سوی دیگر، این جوان با دولتی هم مواجه است که سعی دارد روابط حاکمان در دولت، چنین قدرتی را ندارند. اینکه گفتیم سیاسی نگاه نکنید، به همین خاطر بود. شما یک اصل ثابت را پذیرفته اید که دولت همان روحیه پدز سالارانه درون خانواده ها را در حوزه سیاسی آورده است و اعمال می کند و جامعه هم پیچیده و خفیه و تابع است در حالی که انتظار نیست دولت در این جامعه قدرت چندانی ندارد. درست است که اندیشه های حاکم در ریشه خود تمامیت گرا هستند اما امکان اعمال سیاست ها و خواست های خود را ندارند. پس حالا که قدرت چندانی ندارد، چون می تواند حوزه سیاست را ببندد، بیشتر اتفاقات در حوزه

سیاسی می شود. اما در دهه های اخیر، معمولاً تفاوت نسل ها را به یک آسیب اجتماعی تقلیل داده اند و کلاً سعی کرده اند به بارانه برنامه های این مشکل «را حل کنند. به نظر شما آیا اصلاً یک راه حل بیرونی و ارادی برای بر کردن این فاصله و رفع این تفاوت ها، قابل تصور هست؟

درست است که معمولاً جامعه شناسان و سیاستمداران ایرانی به تفاوت نسل ها، نگاه مسأله ای داشته اند؛ اما درباره راه حل ها، در رژیم پیشین هم که کاخ جوانان و مانند آن برای جوانان ایجاد شد، به خاطر این بود که نگاه آسیب شناسانه به این بحث داشتند. یعنی می گفتند جوانان منحرف شده اند و می توان آنها را برگرداند.

رویکرد آسیب شناختی و مسأله ای به جوانان، بیشتر عارضه ایجاد می کند و آنها را عصبانی می کند و فراری می دهد. البته ایجاد راه حل کند. وقتی با جوان به عنوان یک آدم لخم، لالایی، بی دین و سرکش برخورد می کنید، بدتر واکش نشان می دهد.

به نظر من، به جای اینکه بخواهیم جوان را مدیریت و هدایت کنیم، باید همراه او باشیم و در کنار او عمل کنیم. اگر دولت و خانواده بخواهند هوشتندی به خرج دهند، باید در کنار جوانان قرار گیرند. البته خانواده در جامعه ما معمولاً در کنار نسل جوان قرار گرفته و دارد با او حرکت می کند. باید دولت ها و گروه های فشار و وضعیت آسیب گونه ای و انحرافی جوانان را رها کنند تا شرایط طبیعی خود را طی کند. هر چه دولت دخالت کند و بخواهد با دست بردن در کارها و دخالت مکانیکی و تشکیل سازمان و غیره، جوانان را به وضعیت طبیعی مورد نظر سیاستمداران و مدعیان سازماندهی جامعه مکانیکی برگرداند، وضعیت بغرنج تر می شود. تجربه تاریخی ما نشان داده که این رفتارها نتیجه نداده و تجربه دنیا هم نشان داده که مانند ما عمل نکرده اند.

شما حتی اگر به ترکیب جمعیتی جامعه و نسبت جمعیتی نسل ها هم توجه کنید، باید در این طرف قرار بگیرید. جامعه ما مثل اروپا نیست که جمعیت اکثریتی میانسال و پیر بتواند جامعه اقلیتی و بلاتکلیف جوانان را مدیریت کند؛ و اتفاقاً وضعیت بر عکس است. اکثریت جامعه ما جوان است و دو نسل دیگر در اقلیت اند. اگر این طور نگاه کنیم، نیازها، علائق، خواسته ها و گرایش های نسل سوم در مرکزیت همه تصمیم گیری ها بر این تحولات اجتماعی قرار می گیرد. یعنی، ارزش های این نسل مثل نوپایی و نوجویی، جهان وطنی، فردگرایی، اقتصاد آزاد، دموکراسی و مانند اینهاست. پس مناقشات موجود، که عمدتاً هم در حوزه سیاسی هستند، برای این نسل مناقشاتی

باشند. البته باید این را هم بگویم که جهان اجتماعی نسل سوم با جهان اجتماعی نسل دوم متفاوت است ولی نباید این تفاوت را از چندان بنیادین گرفت، همانطور که نسل انقلاب هم با نسل قبل از خود چنین تفاوت هایی را داشت. **✓** اما هر جا که نظام روابط پدز سالارانه ایجاد شده، چه در سطح خانواده و چه در سطح دولت، ما با شکاف مواجه می شویم؛ یعنی یک فرانت در نهایت حاکم می شود. ما نمی خواهیم بحث سیاسی کنیم. یک بحث اجتماعی داریم، که در لایه های اجتماعی آن را پی می گیریم. **✓** بحث من هم سیاسی نیست می خواهم در باره خانواده بحث کنم. در خانواده های گذشته، ارزش ها و هنجارهای از طرف پدر و مادر و یا حد اکثر گروه همسالان حاکم می شد که فرزندان تحت تأثیر آنها در یک سیستم هماهنگ روابط اجتماعی، «اجتماعی» می شدند. اما نسل امروز، از یک طرف با رسانه های جمعی و اینترنت و ماهواره در ارتباط است و از یک طرف با پدر و مادری مواجه است که با این ارتباطات جدید آشنا نیستند. پس در اینجا یک تضاد شکل می گیرد. از سوی دیگر، این جوان با دولتی هم مواجه است که سعی دارد روابط حاکمان در دولت، چنین قدرتی را ندارند. اینکه گفتیم سیاسی نگاه نکنید، به همین خاطر بود. شما یک اصل ثابت را پذیرفته اید که دولت همان روحیه پدز سالارانه درون خانواده ها را در حوزه سیاسی آورده است و اعمال می کند و جامعه هم پیچیده و خفیه و تابع است در حالی که انتظار نیست دولت در این جامعه قدرت چندانی ندارد. درست است که اندیشه های حاکم در ریشه خود تمامیت گرا هستند اما امکان اعمال سیاست ها و خواست های خود را ندارند. پس حالا که قدرت چندانی ندارد، چون می تواند حوزه سیاست را ببندد، بیشتر اتفاقات در حوزه

سیاسی می شود. اما در دهه های اخیر، معمولاً تفاوت نسل ها را به یک آسیب اجتماعی تقلیل داده اند و کلاً سعی کرده اند به بارانه برنامه های این مشکل «را حل کنند. به نظر شما آیا اصلاً یک راه حل بیرونی و ارادی برای بر کردن این فاصله و رفع این تفاوت ها، قابل تصور هست؟

درست است که معمولاً جامعه شناسان و سیاستمداران ایرانی به تفاوت نسل ها، نگاه مسأله ای داشته اند؛ اما درباره راه حل ها، در رژیم پیشین هم که کاخ جوانان و مانند آن برای جوانان ایجاد شد، به خاطر این بود که نگاه آسیب شناسانه به این بحث داشتند. یعنی می گفتند جوانان منحرف شده اند و می توان آنها را برگرداند.

رویکرد آسیب شناختی و مسأله ای به جوانان، بیشتر عارضه ایجاد می کند و آنها را عصبانی می کند و فراری می دهد. البته ایجاد راه حل کند. وقتی با جوان به عنوان یک آدم لخم، لالایی، بی دین و سرکش برخورد می کنید، بدتر واکش نشان می دهد.

به نظر من، به جای اینکه بخواهیم جوان را مدیریت و هدایت کنیم، باید همراه او باشیم و در کنار او عمل کنیم. اگر دولت و خانواده بخواهند هوشتندی به خرج دهند، باید در کنار جوانان قرار گیرند. البته خانواده در جامعه ما معمولاً در کنار نسل جوان قرار گرفته و دارد با او حرکت می کند. باید دولت ها و گروه های فشار و وضعیت آسیب گونه ای و انحرافی جوانان را رها کنند تا شرایط طبیعی خود را طی کند. هر چه دولت دخالت کند و بخواهد با دست بردن در کارها و دخالت مکانیکی و تشکیل سازمان و غیره، جوانان را به وضعیت طبیعی مورد نظر سیاستمداران و مدعیان سازماندهی جامعه مکانیکی برگرداند، وضعیت بغرنج تر می شود. تجربه تاریخی ما نشان داده که این رفتارها نتیجه نداده و تجربه دنیا هم نشان داده که مانند ما عمل نکرده اند.

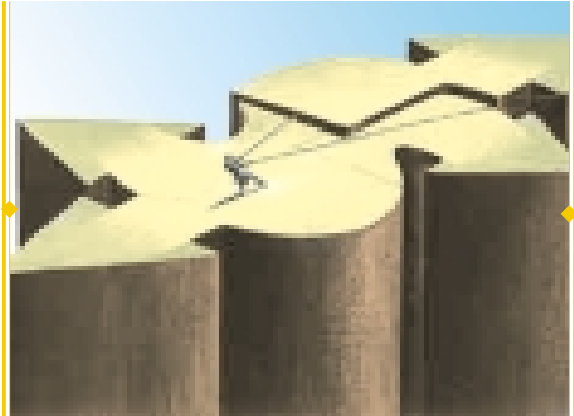
✓ شما معتقدید که نسلی جدید، نسلی با آرمان ها و نظام ارزشی متفاوت با آرمان ها و نظام ارزشی نسل پیش نیست. ولی ما در نسل گذشته می بینیم پدیده هایی که به عنوان ایده آل پذیرفته شده بود، در نسل جدید اساساً تغییر کرده است. مثلاً تفاوت در تلقی نسبت به خانواده، یا تلقی نسل جدید نسبت به پول و ثروت یا میزان ساده زبستی و آخرت گرایی و موارد متعدد دیگر. ما نمی توانیم چنین مواردی را نادیده بگیریم. شما اینها را چگونه توجیه می کنید؟

من وجود این موارد را قبول دارم، اما اینها ربطی به نسل ندارند. اینها ناشی از تغییرات دوره ای هستند. در دوره پیشین افرادی داشتیم که آرامنگر و ساده زیست بودند. پادشاه ها را در آخرت دنبال می کردند و خانواده پریشان خیلی مهم بود. در مقابل در دوره جدید با آدمهایی روبه رو هستیم که اهل لذایذ مادی زندگی اند. عینیت گرا هستند، پریشان رفاه مهم است و نوعی جامعه گرایی خاص آمیخته به فردگرایی دارند. به نظر من اینها چیزهایی نیستند که فقط منحصر به نسل جدید باشد، بلکه مشخصه های روندهای جدید هستند که در همه نسلها یکسانند. نسل های قبل هم از وضعیت جدید دچار شوک شده اند و با دنبال همین امیال و رفاه و مانند اینها هستند. مگر چه کسانی امروز دنبال دموکراسی هستند؟ درست است که نیروی عملیاتی این فرایند، نسل سوم است، اما مدعیان آن اتفاقاً از همان نسل انقلابی هستند. البته ممکن است بر پشت ذهنی آن نسل از دموکراسی، با این نسل تفاوت داشته باشد. اما به هر حال آنها هم هستند و این معرکه را گرم می کنند. بخشی از آن نسل، بانسل سوم همراه شده و آن را حمایت می کند.

من قبول دارم که در جاهایی دو نسل قبل کاملاً همراه نیستند، اما در مقابل هم نمی ایستند. آن نسل البته از وضعیت امروز خانواده ها ناراحت و نگران است اما چندان اصرار هم نمی کند که خانواده به همان صورت قبلی باقی بماند. پس می خواهم بگویم اینها بیشتر مشخصه های دوره جدید است تا نسل جدید.

✓ اما به نظر می آید که همراهی نسل گذشته با نسل سوم، بیشتر در فرهنگ است تا در محتوا. یعنی همانطور که گیدز می گوید در سطح جهانی و بر اثر جهانی شدن، فرهنگ جهانی و همگانی می شوند و محتواها محلی باقی می مانند در اینجا هم فرمی مثل دموکراسی توسط نسل قبل پذیرفته شده، اما تلقی اش در محتوای این فرم همان محتوای نسلی خویش است و این با تلقی نسل جدید متفاوت است.

بسیار خوب، این به تجربه های نسلی و تجربه های زیستی هر نسل بر می گردد. بالاخره وقتی می گوئیم نسل ها در عین به هم پیوستگی، تفاوت های دارند، این تفاوت های موجود به تجربه های خاص هر نسل، الگوهای فرهنگی و دیگر عناصر تجربه شده در هر نسل بر می گردد. مثلاً آن نسل دفعه مبارزه با دشمن را دارد، اما این نسل اصلاً دشمن را نمی شناسد یا وجود آن را قبول ندارد. آن نسل هنوز شعرهای «لب کارون» و غیره را می خواند، در حالی که «ایزدهای» این نسل را باید در خیابان ولیمیر و جوجو کرد. تجربه های نسلی که اعم از عناصر مادی است، زمینه ساز دستیابی به تفاسیر و تعبیر خاص فکری می شود. از باب نمونه، دموکراسی با وجود اینکه مورد توجه دو نسل است، ولی تفسیر این متفاوت است؛ نسل انقلاب بیشتر دموکراسی را از منظر سیاسی می بیند؛ در حالی که نسل جدید دموکراسی را امری اجتماعی و حقوقی می داند. اما به هر حال، من فکر نمی کنم تجربه های نسلی اینقدر عینی و ماندگار باشند که دو نسل را در مقابل هم قرار دهد



واکنش بنح

سید علی صالحی

عالی بود!



می‌توانم برای رفع تکلیف، معلم را با این جله شروع کنم؛ بازدید کنندگان همه چو بودند نمایشگاه سالان بود و کتاب‌ها همه پیرا بعد از افتتاحه نام‌نشرین خیلی خسته بودند.

نظر و زینتی از این دست هیچ دردی را درمان نمی‌کند. می‌توسم بد نیود غفله بود، صد نفر می‌رفتند، صد و یک نفر برمی‌گشتند، صد نفر می‌آمدند با دست خالی، حدود نود نفر می‌گشتند با دست خالی. یک روز هم باران آمد، ناگهان سالن‌ها سرسریز شد از آدم یک دم انگار شد شکسته باشد، جای نفس کشیدن نبود.

فکر می‌کنم موضوعی از این دست را باید از همین نکته آغاز کرد اما سادۀ لوحاتۀ کسب و کار یوفه‌ها و رستوران‌های بی حجاب «سه» نبود تاشرین کاغذ رنگی (سکاس) خرج کرد بودند، کاغذ سیاه و سفید (کتاب) چاپ کرده بودند. عده‌ای کاغذ رنگی می‌دادند، کاغذ سیاه و سفید می‌خریدند، یک لحظه به ذهنم رسید اگر تمام آدم‌ها و کلماتی که در این کتاب‌ها کز کرده‌اند، مثلاً از اسپار تا کوس می‌تاری پاتر، ناگهان زنده شوند از کتاب‌ها بیرون بیایند، به اتفاق می‌افتند؟! «کدام» (مکومت) «قادر به تغذیه آنان می‌شود، چه بر سر سیاه، سنگین ما می‌آید بعضی جانوران جهانی به فوریت به یاد «اقدام از طریق یو تروسم» می‌افتند، مثلاً همین ما مخور کی سادۀ تا زین: «سارس»!

اصلاحیت نسبت که از تو مطلبی درباره کتاب و نمایشگاه بخواهند، آن وقت از «سارس» «روایری» می‌توانی مثل بعضی ساینست‌ها خیلی بزرگ، چند جله جانه مفت خرج خلق الله کنی و خلاص، مثلاً: «کتاب، معجزه و بشریت است و تاشرین قربانیان صفت نخست دلبری و خرد و عشق و...» و چند تا اسم و صفت از همین دست نمایشگاه‌بین المللی کتاب در تهران و اسال، عالی بود، یک نفر عکس یک نفر دیگر را بزرگ کرده بود، زده بود تخت دیوار خر فرش، چند نفر آمدند بر سینه‌اند این «یک نفر» «اینجا چه می‌خواهد؟» آن «یک نفر» گفت: ای کاش هر روز باریان می‌آمد، بین چه غلفه‌ای شده! عالی بود، یک ایو خوش سلس کله شد می‌خواست از او بخوانی. خردم یک روز یک ناشر قصد دارد می‌تواند فروش دهان و همان روز ناشر دیگری قفسه هزار تومان! ابالاتی آن رو حادثه، زیاده و طول آورد است، مطلب را با همین موضوع شروع کنم، بعد یگویم بعضی از اسامی و نام‌های بعضی اشارات را نمی‌فهمید، یک لحظه، در یکی از سالن‌ها خیال کردم به نمایشگاهی در سوریه یا عربستان یا گذاشته‌ام اما خارج می‌نویسد، از خودمان بودند، یعنی به زبان خاص فارسی حرف می‌زدند. با همه این‌ها همه چیز درست‌اند، همانند، دلایلتان، و حجت‌ها و به قول برادران عرب، اجران هم می‌فرود خنده، و ریا کتاب می‌فرود خنده، آگاهی تقسیم می‌کردند، نه توری و دوع و اینجا و هینجا تا جای است که گول نمی‌زند، خود شیدم یکی از تاشرین فرهنگی و مبتدر به فرود خنده گفت: اگر کسی خیلی پرورش دارد ناخلف و رفت، می‌باید به یوز و پاریز، بالاخر می‌تواند آن کتاب را بخواهد خواند.

پیدا کردم، باید مطلب را تمام کنم، در یکی از خیابان‌های تهران، از دیکه به هم، دو مغازه سرخ دارم یکی سر تراست، کتاب می‌فروشد، ماهی سیصد هزار تومان (به تقریب) در آن دارم، دو مغازه بغلی اش پنج متر است، دل و گول و قله و فرود، ماهی سیصد هزار تومان، در آن مغازه یک نفر پرورش دارد ناخلف و رفت، در حالی که میان مغز و «بعده» تنها چند پنج فاصله است، چگونه می‌شود دست چنین ناشر و کانیروشی را بنویسد که از خود می‌زند تا به دیگران اضافه کند؟! همین کانیروشی عقل معاش ندارد؟ دارد و دارد به قول امروزی‌ها «بیار» می‌کند. در همین خیابان مغازه تری سه میلیون تومان است. این ناشر می‌تواند با تو د میلیون تومان فروش مغازه خالی خود به سودت بیورد، یک خانه، یک مغازه، یک اتومبیل و چه می‌توانم، خیلی چیزها بخرد، می‌تواند میدان توپارش کند، با هفتاد درصد سود، نه کتاب با ده درصد سود بسویندی ست روی چنین عزیزانی و از نمایشگاه کتاب بسیدیم به چه راهی که می‌عجب! کتاب، سارس، تو مبارک شگفتا هزاران نوع کتاب از هر جنسی که بخواهی!

بعد و حشت می‌کنم، همه این کتاب‌ها را فقط چند نفر «دایره «بررسی کتاب» وزارت ارشاد خوانده‌اند؟! همگیتیم برای کلمات، تصاویر و جملاتی که از دل بعضی از این کتاب‌ها حلف و سانسور شده‌اند، این بار اگر همه آن کلمات و سطرهای که سانسور شده، موزی شده و به زندان افتاده‌اند، در دیوار بالا پلایند و پا به نمایشگاه کتاب بگذارند، چه خواهد کرد؟ باران که بند آمد، باید سالن‌ها خلوت شد!

هنر امروز

■ کنسرت علیرضا عصار در رشت تاکنون مجوز دریافت نکرده است
■ مخفتمین ستارای ایران تهران تیر تیر شهرستان های تیر از تاریخ ۱۳۸۲ تا ۲۱ مهرماه سال جاری برگزار می‌شود.
■ نمایشگاه ایران آریا در تهران بزرگ، با حضور مدیران دانشگاه تهران، موزیسین‌ها و گروه‌های آیینی به منظور احیای تقویت فرهنگ ملی و استانی ایران، در کوی دانشگاه تهران گشایش یافت.
■ محمود استاد محمد کارهای موسیقی درمانی در ایران و جهان ۱۹ اردیبهشت ماه با سخنرانی دکتر علیرضا محمدی در تالار حافظین برگزار خواهد شد.
■ نخستین نمایشگاه انفرادی آثار نقاشی آیدین آغاشاوی اواخر اسامال در گالری آرانی شهر روتنر در کاتار برپا می‌شود. مجموعه‌ای از ۲۰ تابلو نقاشی از دوره‌های مختلف کاری وی شامل رنسانس، حاضرات انهدام و مینیاتوره‌های جلاله در این مجموعه وجود دارد.
■ اولین نشست آوازدری تخصصی «ادبیات خلاق» کشور، اول خرداد سال جاری در مرکز تربیت معلم تهرانی شهستان رشت برگزار می‌شود.
■ نمایشگاهی با عنوان «کتاب و محصولات فرهنگی» در مرکز گان پارسا شد. برپایی این نمایشگاه به همت مؤسسه قائم گلستان به مدت یک هفته ادامه دارد.
■ ۱۵ فیلم کوتاه ایرانی در بخش‌های مختلف جشنواره بین‌المللی فیلم مونت کاتینی» از ۲۳ تا ۲۸ تیر به نمایش درمی‌آید.
■ فیلم کوتاه «سفیدتر از برف» و «دوز» در بخش سابقه و ۱۳ فیلم دیگر در بخش مرور آثار زنان این جشنواره انهدام شده می‌شود.
■ تا پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت و پس از چهار هفته نمایش فیلم‌های سینمایی برای داوان منتخب جامعه اصناف سینمایی ایران (خانه سینما) باز در فیلم سینمایی در سالن خانه سینما نمایش داده شده و تعدادی نیز به نمایش عمومی درآمده‌اند و پیش بینی می‌شود تا پایان خرداد ماه ۲۳ فیلم سینمایی دیگر نیز نمایش داده شود.
■ فرهنگسرای کودک به مناسبت روز جهانی خانواده از تاریخ ۲۵ اردیبهشت تا ۳ خرداد در نظر دارد نمایشگاهی از آثار کودکان مهد و پیش دبستان تحت عنوان «بهترین خانواده» را برگزار نماید.



مشکل بزرگ چاپ و نشر کتاب در کشورمان

چست؟
فکر می‌کنم مشکل چاپ و نشر دارد کم می‌شود و فقط مشکل توزیع وجود دارد که این هم با سیاست‌هایی که اتخاذ شده در حال شدن است.

مشکل میزبانی چه؟
من در ۴-۵ سال اخیر می‌بینم که این مشکل خیلی کم شده و وضع بهتر شده است، حالا بنییم بعداً چه پیش خواهد آمد. اگر پنج سال گذشته را با پنج سال قبل از آن مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که در این ۵ سال اخیر وضع انتشار کتاب پیشرفت چشمگیری داشته است.



مهری پور (تشریح شاهنامه) در باب علل ایرانیان با ضحاک بیدید می‌آید به گونه‌ای که نام ایرانی از یک دهاک به ضحاک عربی تغییر می‌یابد و به نوعی تضاد علایق میان ایرانیان و اعراب مطرح می‌شود. پس از روی کار آمدن کشیشیان یک یک نوع تضاد درون قومی مطرح می‌شود که در داستان رستم و اسفندیار نمود می‌یابد.
دکتر حبیبیان با مقایسه داستان اوستا و اسفندیار با اساطیر کهن دیگر اقوام، تأکید کرده که در هیچ یک از آثار حماسی کهن روایری و یک پهلوان قومی که رستم نماینده آن است و یک پهلوان دینی مثل اسفندیار به نسبت به نمی‌خورد. البته شاهنامه فردوسی نسبت به اقتضای سواد کهن متأخر تر است و همچنین این امر بابیهی به نظر می‌رسد چون نظامی که بر اساطیر و حماسه‌های کهن حاکم بوده است، نظامی دینی بوده و زمانی که خود دین حاکم است این تضاد و تفاوت نیز دیده نمی‌شود.
پس از آن دکتر منصوره نایب زاده عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد و موسیقیدان ضمیم توضیح تاریخیچه مختصری از موسیقی ایرانی در قرون چهارم و پنجم، درباره علاقه فردوسی به موسیقی گفت: فردوسی به سبب سرور داری از خدایتی فریخته و صاحب اختیار، باور می‌سپه‌اندازان و دستان پرورازان را و دیگر نقاط معشور و دمساز بوده است. دانش موسیقی فردوسی از رسالتی چون عسرو قباد و ویدک که در قدیمی ترین اسناد موسیقی قبل از اسلام است و از رابوایان دوره گرد و شاهنامه‌های موجود فراهم آمده است.

آغاز رقابت ۷۰۰ فیلم در کن

پیش از ۷۰۰ فیلم در رقابت و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کن نمایش داده می‌شود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، اولین روز جشنواره بین‌المللی کن با حضور دوازده نماینده از شرکت‌های فیلمسازی و روزنامه‌نگاران سرسریا رسماً آغاز به کار کرد. در مراسم افتتاحیه، فیلم پرهایوی فرانسوی، با بازی پناولهی کرود، در ساعت مقرر شده و با حضور جمعی از ستارگان سینمایی و برخی از شخصیت‌های برجسته جهان به نمایش درآمد. پیش از ۷۰۰ فیلم دیگر نیز طول روزهای جشنواره اکران می‌شود که سازندگان آنها به دنبال فروش و توزیع فیلم‌های خود پس از پایان جشنواره بین‌المللی کن هستند. در حالی است که کارگردانان ۲۰ فیلم برگزیده سابقه اصلی خود به دریافت پالمه دورا (palmes d'or) نیز پس از جوایز کن چشم دوخته‌اند. در جشنواره اسامال عزیمت دو هنگام بسیاری از شرکت کنندگان با اعتراض بسیاری از سوی مسؤولان دفاتر هواپیمایی و به روش دیگر که واسطه‌ایان تأخیرهایش از ۳۰ هزار نفر تیر از موقع مقرر به جشنواره، خواهند رسید. در چنین شرایطی، هیأت داوران، به منظور حضور به موقع در مراسم افتتاحیه، دو روز و دو تر خود را به شهر تیر رساندند. در هیأت داوران اسامال افرادی چون هنرینه آمریکایی مریگان، آبشوارای از کشور هند، کارگردان آمریکایی استیون سودربرگ و دینس تانویچ از بوسنی دیده می‌شوند. شواهد موجود حاکی از این است که جشنواره چون دیگر شیوع بیماری سارس در قاره آسیا، سقوط دلار آمریکا، پامده‌های جنگ عراق و انفجار بمب در پایتخت عربستان سعودی تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر این جشنواره داشته‌اند. از سوی دیگر ۱۵ سال از زمانی که یک فیلم فرانسوی جایزه برتر جشنواره کن را به خود اختصاص داده است، می‌گذرد. هه ساله با شروع جشنواره فیلم‌های سینمایی اروپا خود را با فیلم‌های اکرانیت هالیوود و فیلم‌های شرکت کننده آسیایی سهم می‌دانند. در این حالی است که حضور غالب فیلم‌های فرانسوی در پنجاه و ششمین جشنواره کن دشمنیای فرانسوی‌ها را به جایزه برتر پس از سال‌ها عدم موفقیت تبدیل می‌دهد.

تعداد فیلم‌هایی که از هالیوود در جشنواره اسامال شرکت دارند، نسبت به گذشته کاهش یافته است. این در حالی است که مسؤولان جشنواره مکرر تأثیر گذاری جنگ عراق بر پنجاه و ششمین جشنواره کن شده‌اند. در این خصوص ژیل جاکوب، رئیس جشنواره کن معتقد است: رابطه‌مان با شرکت‌های آمریکایی مانند گذشته بر اساس تجارت استوار است و در جو فعلی شاهد هیچ حسن خند آمریکایی نیستیم. جایزه «کالسه طلایی» مجسمه زینتی که با الهام از فیلمی به همین نام به کارگردانی ژان رنوار ساخته شده و سالانه توسط «جامعه کارگردانان فرانسوی» به یکی از فیلمسازان اعطای می‌شود اسامال به کلیت استودو اعطا شد. جامعه فیلمسازان فرانسو به ریانه خود اعلام کرد که «به‌تدریج در طول کار حرفه‌ای خود اهدای جوایز را برای ابلاغ اصالت و استقلال» از خود پرور داده است.

مراسم اعطای این جایزه ۲۳ ماهه قدم اقدام خردانه روزی که ورود شاه اسامیر از آخرین فیلم استودو در جشنواره کن به روی پرده نمایش می‌رود، برگزار می‌شود. در این فیلم «شون پی» «پیم رابینز» «کون پیکن» و «الانس فیشر» نقش آفرینی کرده‌اند.

این فیلم یکی از ۲۰ فیلمی است که در بخش سابقه این جشنواره برای کسب «نخل طلایی» که برترین جایزه «کن» است مبارزه می‌کند. «به‌تدریج» در پایان ماه ۲۷ ساله می‌شود.

سختگوی شورای عالی سینما خبردار:

اکران فیلم‌های خارجی در انحصار کامل دولت

طرح اکران فیلم‌های خارجی بر اساس انحصار، کنترل و نظارت کامل دولت در مرحله ورود و بخش فیلم‌ها خواهد بود و بخش خصوصی دخالتی در آن ندارد.
الاحسن یوودی سختگوی شورای عالی سینما با بیان این مطلب افزود: «باید سینمایی فارابی باید با روش‌هایی سنجیده شود که بتواند از یک جریان رقابت در توزیع در عین انحصار در بخش ورود فیلم خارجی استفاده کند. وی که درباره جلسه مشترک نمایندگان بخش صنفی شورای عالی سینما با معاون و مدیران امور سینمایی وزارت ارشاد با ایسنا سخن می‌گفت، درباره بحث‌های دیگر این جلسه افزود: در این جلسه مطرح شد که انحصار فیلم خارجی که مصوبه هیأت دولت است به شکل طرح در مجلس شورای اسلامی ارائه و به یک قانون تبدیل شود تا مانگران تغییر شرایط ناپسند.

و باید قدرش را بدانیم. فکر می‌کنم ایراداتی را هم که دارد، باید به تدریج برطرف شود و این هم سال به سال تجربه نشان داده که رو به بهبود است.

کتاب‌های ادبیات معاصر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نمی‌توانم ادعا کنم که تمام این آثار را خوانده‌ام. این مسئله برای یک کار تحقیقاتی است که محققان انجام می‌دهند اما از جنبه کمیت پیشرفت داشته است که کیفیتش هم بعداً آشکار می‌شود.

به نظر می‌رسد در چند سال اخیر نوشته‌های بازاری و عامه‌پسندی که نه بار ادبی دارند و نه بار فرهنگی، زیاد شده‌اند و مردم به سوی خرید این آثار می‌روند. نظر شما چیست؟
هرچه در این مملکت به طور جدی در میان مردم مطرح می‌شود، مجازی آن هم مطرح می‌شود و این طبیعی است. زمان، این مسائل را حل و فصل خواهد کرد.

در نشست چشم‌انداز فردوسی پژوهی عنوان شد:

باید شاهنامه را از حالت عتیقه بودن خارج کنیم

گروه ادب و هنر، به مناسبت فرا رسیدن ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت فردوسی، کتاب ماه ادبیات فلسفه هشتاد و دومین نشست خود را با عنوان «چشم‌انداز فردوسی پژوهی» در روزهای ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ماه با حضور فردوسی‌پوهان ایران و جهان، در خانه کتاب برگزار کرد.

دکتر حبیبیان با مقایسه داستان اوستا و اسفندیار با اساطیر کهن دیگر اقوام، تأکید کرده که در هیچ یک از آثار حماسی کهن روایری و یک پهلوان قومی که رستم نماینده آن است و یک پهلوان دینی مثل اسفندیار به نسبت به نمی‌خورد. البته شاهنامه فردوسی نسبت به اقتضای سواد کهن متأخر تر است و همچنین این امر بابیهی به نظر می‌رسد چون نظامی که بر اساطیر و حماسه‌های کهن حاکم بوده است، نظامی دینی بوده و زمانی که خود دین حاکم است این تضاد و تفاوت نیز دیده نمی‌شود.
پس از آن دکتر منصوره نایب زاده عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد و موسیقیدان ضمیم توضیح تاریخیچه مختصری از موسیقی ایرانی در قرون چهارم و پنجم، درباره علاقه فردوسی به موسیقی گفت: فردوسی به سبب سرور داری از خدایتی فریخته و صاحب اختیار، باور می‌سپه‌اندازان و دستان پرورازان را و دیگر نقاط معشور و دمساز بوده است. دانش موسیقی فردوسی از رسالتی چون عسرو قباد و ویدک که در قدیمی ترین اسناد موسیقی قبل از اسلام است و از رابوایان دوره گرد و شاهنامه‌های موجود فراهم آمده است.

گفت و گو

فرزانه ابراهیم زاده

زمان، این مسائل را حل و فصل می‌کند

محمود دولت آبادی نویسنده برجسته روزگار با کتاب سلوک در نمایشگاه شانزدهم کتاب شرکت کرده بود. باو در میان ازدحام جمعیتی که برای دیدارش به خرغه نشتر چشمه آمده بودند، گفت و گو کردم، درباره نمایشگاه! ارزیابی‌تان از روند نمایشگاه کتاب چیست؟
نمایشگاه کتاب اقدام خوبی است که در کشور ما در شروع شده است ولی خوب پیش می‌رود و این امیدوارکننده است که مردم چنین رویدادی به کتاب دارند. این استقبال که از کتاب می‌شود، نشان‌دهنده گرایش فرهنگی مردم ماست. در کل دنیا کمتر نمایشگاهی را به این شلوغی می‌بینیم که این فوق العاده است.

مراسم اختتامیه نمایشگاه کتاب برگزار شد

زندگیان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی

سال کشور

گروه ادب و هنر، نمایشگاه کتاب تهران دیروز با برگزاری مراسمی و اهدای جایزه به ناشران برگزیده نمایشگاه به کار خود پایان داد.

احمد مسجدجامعی در این مراسم درباره ویژگی نمایشگاه شانزدهم گفت: اسامال ناشران ما به نحو کاملاً برنامه‌ریزی شده‌ای با طرف‌های خارجی وارد گفت و گو شد و زمینه‌ای را برای صادر کردن کتاب ایران فراهم کرد.



وی افزود: در این دهه باید به بازار جهانی فرهنگ فکر کنیم.

مسجدجامعی با اشاره به اهمیت اطلاع‌رسانی در جامعه امروز جهانی گفت: فرهنگ، دارویی افروز، حضور ما در چنین عرصه‌هایی برای دفاع از این هویت ضروری است. مسجدجامعی نمایشگاه را محصول کار همه متفکران، پدیدآورندگان و ناشران خواند و ابراز امیدواری کرد، همدلی بین مدیران و این گروه‌ها بیشتر شود. وی در پایان از برگزاری نمایشگاه بین‌المللی تخصصی کتاب کودک و نوجوان، صنعت چاپ و گرافیک ایران و نمایشگاه کتاب‌های ایران و عرب خبر داد.

در این مراسم علی اصغر رمضانپور رئیس نمایشگاه نیز گزارشی از فعالیت‌های نمایشگاه ارائه کرد.

در این مراسم همچنین نمایندگان از سوی ناشران داخلی و خارجی به اظهار نظر پرداختند.



نگاه یک همسایه به عراق جدید

هنگامی که صد حسین در اواسط دهه «میلادی حمله به کشی های تجاری را در سطح افراز خاک کرد و جنگ موسوم به فتنه‌ها را به راه انداخت، دولت ایران پیشتهاد ایجاد کرد ارادت امتی و همکاری را در منطقه ارائه داد تا به واسطه آن از وسیع شدن دامنه جنگ ایران و عراق جلوگیری کرد و ثبات و امنیت را به منطقه بازگرداند. این ایده که چندبعدار قطعنامه شماره ۵۹۸متنجم عمومی سازمان ملل متحد گنجانده شد و به جنگ میان دو کشور پایان بخشید اما دورنمای امنیت منطقه را نیز پابریزی کرد

در سال ۱۹۹۱، شورای امنیت سازمان ملل یکبار دیگر بر ضرورت وجود امنیت منطقه ای تأکید ورزید، اما باز هم اقدامی عملی به برحاله اجرا در نیامد. در این زمان، سیستم‌های امنیتی پیشهاد شده می توانست در زیر یک چتر بین المللی مناسب منطقه ما را دو دهه ویرانی و ترازوی نجات بخشد.

امروز و در حالیکه تهدیدی به نام صد حسین از منطقه رخت پرسته، باید دید آیا نفع این موضوع به مردم عراق و در مجموع منطقه می رسد یا به شاهد بی نظمی و هرج و مرج و دور جدیدی از بی ثباتی در این بخش از دنیا خواهیم بود. در اینکه ثبات و میانه‌روی امری اساسی برای امنیت و سعادت در عرصه جهانی است، یک اتفاق نظر بین المللی وجود دارد. با این وجود تلاش برخی قدرت‌های بزرگ برای دسترسی به این اهداف از طریق پارادایم‌های قدیمی سلطه سیاسی، نمایش قدرت و تحمیل اراده نتیجه‌ای جز دردگری، ناامنی، رقابت تسلیحاتی، دیکتاتوری و افراط گرایی نداشته است. ایران تا به حال از این جریان رنج‌های فراوانی را متحمل شده و امنیت ملی ما در گرو تلاش برای بر عکس شدن این روند و جایگزینی آن با مشارکت، میانه‌روی و اعتماد است.

در اواسط دهه ۱۹۸۰، هنگامی که صدام حسین حمله به کشی‌های تجاری را در خلیج فارس آغاز کرد و جنگ موسوم به فتنه‌ها را در دستور کار خود قرار داد، دولت ایران پیشتهاد ایجاد یک قرارداد امنیتی و همکاری را در منطقه ارائه داد تا به موجب آن از وسیع شدن دامنه جنگ میان ایران و عراق جلوگیری کرده و ثبات را به منطقه بازگرداند. این ایده بعدها در قطعنامه شماره ۵۹۸مجموع عمومی سازمان ملل متحد گنجانده شد. قطعنامه مذکور گرچه به جنگ میان دو کشور ایران و عراق پایان بخشید اما دورنمای امنیت منطقه همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی ماند.

به همین ترتیب، هنگامی که چادور عراق به خاک کویت در سال ۱۹۹۱به پانان رسید، شورای امنیت ملل متحد یکبار دیگر بر ضرورت وجود امنیت منطقه ای تأکید کرد، اما باز هم هیچ چیزی به صورت عملی به اجرا در نیامد. در عوض، نظام‌های امنیتی پیشهاد شده در زیر یک چتر بین المللی مناسب، می توانست منطقه ما را به مدت دو دهه از ترازوی و مصیبت رهایی بخشد. امروز و در حالیکه تهدید صدام حسین از منطقه رخت پرسته، باید دید که آیا مردم عراق و منطقه کلاً از این موضوع نفع خواهند برد و یا ما شاهد بی نظمی و هرج و مرج و دور جدیدی از بی ثباتی در منطقه خواهیم بود.

در مجموع یک اتفاق نظر بین‌المللی وجود دارد. در سطح نظر از تندرهای تمامی پارا یگزین - ثبات و میانه‌روی در منطقه امری اساسی برای امنیت و سعادت در عرصه جهانی به شمار می‌رود. تلاش‌های از جانب قدرت‌های بزرگ برای دسترسی به این اهداف از طریق پارادایم‌های قدیمی سلطه سیاسی، نمایش قدرت تحصیل اراده خود، نتیجه‌ای جز دردگری، ناامنی، رقابت تسلیحاتی، دیکتاتوری و افراط گرایی نداشته است. ایران از این امر تا به حال رنج‌های فراوانی متحمل شده و امنیت ملی ما در گرو کمک به بر عکس شدن این جریان و جایگزینی آن با مشارکت، میانه‌روی و اعتماد است.

تأثیرات ویرانگر حمله نظامی رژیم صدام حسین به ایران در دهه ۸۰ و نیز بی‌ثباتی طولانی مدت در افغانستان نیز دو دهه که حاصل آن آشوب و روبرویی، ناآرامی، ناآمن و مخیر و هجوم ایران گردید، باید که اتفاق نظر بین ملل در ایران مانند زده قطعنامه است. با چنین جریانی نتیجه‌ای جز درد و رنج و ناامنی و حیف و میل زیاد طبق اساسی باقی نماند.

امروز ایران در نزدیک به ۲۵۰ سال گذشت از دوری جمع همجوشی در سرزمینی را در سرپوشش درده و بی‌مکجابان کشور‌های همسایه حمله کرده است پس مدتی زمان آنگاه کامل وری دفاع از ملت‌ز خود، در تلاشیم تا روابط مستحکم را با همسایگان برقرار نموده و در آینده همه به این کار ادامه می‌دهیم. در نتیجه تعدیم که زمان تأییدات یک امنیت تضمین شده بومی بین المللی در منطقه ما هم تحت نظارت سازمان ملل قرار فرماید است.

جنبشی که به واسطه صدام حسین از نظام سیاسی بین الملل در سطح منطقه و جهان ایجاد شده است، تمایلی و شفافیت را جایگزین عدم تعلیمات و رقابت تسلیحاتی کرده. ایران به عنوان بزرگترین و پرجمعیت ترین کشور منطقه می‌تواند در دل‌سره کردن دنیا‌ها از حضور در یک رقابت جدید تسلیحاتی و به ویژه دسترسی به سلاح‌های نامتعارف عزم جدی دارد. به علاوه تا به چه به نیاز‌های زیربنایی ایران در امنیت جهان خنثی و معرف کنند، جنبش پیمشی از میان مدعوم ما هستند، حضور در یک رقابت تسلیحاتی بر هزینه می‌تواند به خلاف مصالح و نفع امنیت کشور ما باشد.

ما به دلتیم که تلاش برای دستیابی به سلاح‌های امنی و سایر سلاح‌های کشتار جمعی هیچ کشنی به افزایش امنیت ایران نیست. در صورت به همین دلیل است که تقریباً بی‌اگر از هر دیگری در منطقه به معادلات بین المللی صلح سلاح پای‌بند هستیم. در پاسخ به انتقادات اخیر دولت پیش ما باید به این نکته اشاره کرد که ایران هیچ مشکلی در این‌کشان دادن حاکمیت شفافیت درباره برهه‌های دستیابی به انرژی هسته‌ای خود ندارد.

مشروط بر اینکه برای دسترسی به فناوری هسته‌ای در دسترس از اهداف صلح جهانی‌از سوی جامعه بین‌الملل و به ویژه ایالات متحده یک تضمین درجه اول داده شود و قطعنامه ما در قبال تسلل‌های آینده این‌ها، به قوت تأثیر استفاده صلح هسته‌ای از فناوری‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی، تحت نظارت یک بریط بین‌المللی دسترسی پیدا کند، استفاده از سلاح به صورت محدود و گاه به عنوان تابعیت انرژی و تولید همه مبادلات تجاری خارجی و تأمین بهداشت تسلل‌های آینده، صرف‌نقوی می‌تواند تسلاطی است.

افراط گرایی رو رشد در منطقه به همان اندازه که برای ایران خطر دارد، برای غرب هم خطرات است. مدتها پیش از ترازوی یازدهم سپتامبر، این‌ها برای نفع و دیگر جنگ با طالبان و روس‌های آنان در قاعده شده و دست‌انبردی‌ها را برای آنان در اختیار آورد و تهدیدات امنیتی را برای آنان در خاک افغانستان نقل و حرکت داد. شاید از کشور طالبان از هیچ‌گاه کلاف‌شمال حمایت‌های امنیتی را کرده و آنرا به شکل یک رشت به یک حکومت جدید حمایت موسوم به ه‌روزی، با حالیکه ما به شدت برای غلبه بر افراط گرایی تلاش می‌کنیم، از روی زمین نمی‌توانیم بسیاری از تائیکه‌های اخاذی شده از سوی ایالات متحده و ایران را در سربین به همین هدف پذیریم. بر خورد ضرورت شاید در کوتاه مدت، در تاج‌جسم سرتیبه دست‌یابی اما در دراز مدت یک زمین پس حاصلخیز برای رشد افراط گرایی محسوب می‌شود. این پدیده بیشتر به عنوان پاسخی در قبال نبود عدالت و مشارکت سیاسی بروز کرده است و تنها در صورتی از بین می‌رود که بتوان عوامل رفتاری و پدیدآورنده آن را شناخت.

منطقه ما نیازمند اصلاح هر یک با مشارکت بیشتر، احترام به حکمرانی قانون و حقوق انسانی است. اما در هر صورت اصلاح باید از درون‌شده. مدو کراسی کالای وارداتی نیست، چه پرسد به اینکه با تانک و گلوله تحمیل شود. شاید تیران ملدهای بومی اصلاح و مشارکت با همانند سیستم رایج در غرب به عمل آورد. حتی غرب هم در دوره‌ای به رفرم به عنوان روش آزموئن و عطا می‌گرفت. به گریست به اصلاحات جلیطه همانند آنچه در درون ایران شاهد آن هستیم باید به چشم یک پروسه و نه یک پروژه نگریسته شود که گاهی همراه با رفرار و نشیب و عقب‌نشینی و قطع است. اما در تحلیل نهایی، تنها این ملدها را تنها رها عنوان ملدهای مردمی کرد که در مردم خاورمیانه ادعای مالکیت آنها را دارند و فشارهای زمانی و تغییرات برای تبدیل کردن به واسطه آن تحمیل می‌کنند.

عراق، ضروری‌ترین مورد حال حاضر منطقه برای اصلاح است و چالش اصلی در این درون مدیر چگونگی حرکت به سوی یک نظام صلح‌آمیز، مدو ترکیب، جامع و همگیر انرژی و کاسترهای بی‌اخر زشن تر حکومت‌های دیکتاتوری در دوران اخیر به شمار می‌رود. تک‌تک اعضای جامعه بین الملل باید در روند نشیب و بازسوی عراق کمک کنند و هیچ عضوی از منطقه خارج آن نمی‌تواند و نباید حضور خود را از یک طرف عراق مدو ترکیب و صلح چه در مردم این کشور تحمیل کند. مردم عراق میراث‌دار یک تمدن بزرگ هستند و منابع انسانی و طبیعی و وسیعی را در اختیار دارند. آنها این حق و توانایی را دارند تا سرشود خود را تعیین کنند. ایران هم آماده است تا از هر جریان هوشمندانه‌ای از جانب مردم عراق در این راستا حمایت و در آن مشارکت کند. البته پرسه‌ای که از نظر سازمان ملل هم مشروعیت داشته باشد، یعنی ما نمی‌خواهیم در تعیین حکومت مردم این مداخله کرده و یا نظر خود را تحمیل کنیم. معتمدیم همه باید از چنین کاری پرهیز کنند.

ایران همسایگانش تا به حال هزینه جنگ‌های را پرداخته که تلفات آن از جنبه‌های انسانی، ثبات اقتصادی و اعتماد ملی و منطقه‌ای تأثیرساز انگیزه بوده است. ما نمی‌خواهیم که توسط افراد بی فکر و ساده را که با دست بمب‌های همه باید در ساختن یک آینده بهتر برای منطقه خودمان همکاری کنیم.

* نماینده ایران در سازمان ملل بر گرفته از: نیویورک تایمز

بین‌الملل

استرالیا برای بهبود روابط ایران و آمریکا تلاش می‌کند

یک روزنامه چاپ استرالیا نوشت: استرالیا قصد دارد نقش مهمی را در بهبود روابط بین آمریکا و ایران ایفا کند. روزنامه استرلین روز سه شنبه نوشت: قرار است الکساندر داتر وزیر امور خارجه استرالیا در هفته آینده به چند کشور خاورمیانه از جمله ایران سفر کند.استرلین نوشت: دولت استرالیا امیدوار است نقش خود را در ارتباط با مسأله کره شمالی، در مورد ایران تکرار کند.استرالیا به تسهیل گفت و گوهایی سه جانبه بین آمریکا، کره شمالی و چین کمک کرد. داتر هدف دیدار خود از منطقه خاورمیانه را آگاهی از دیدگاه‌های کشورهای منطقه در مورد روند بازسازی عراق و تشریح نقش استرالیا در روند بازسازی و ترغیب همسایگان عراق به ایفای نقش سازنده و فعال در این راستا عنوان کرد. وزیر امور خارجه استرالیا علاوه بر ایران به کویت، عربستان و اردن سفر می‌کند.

خاتمی: مذاکرات ایران و آمریکا ۲ هفته‌ای که ادامه دارد

- خاتمی: مذاکرات دوساله ایران و آمریکا به روابط دوجانبه تهران-واشنگتن مربوط نمی‌شود**
- توافق آمریکا با گروه تروریستی منافقین نحوه نگارش آن کشور در زمینه تروریسم را روشن می‌سازد**



هفت مسأله تازمان در مورد کارهای روزانه روز دیگران در لبنان، در حل اقامت خود، بیروت، در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت کرده و پرسش‌های خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. در این همایش خبری که در هتل «فینسیا» بیروت برگزار شد، دهها خبرنگار، فیلسوف و عکاس از خبرگزاری‌ها، تلویزیون‌ها و مطبوعات داخلی، خارجی و بین‌المللی حضور داشتند.

سخان آگاهی خاتمی همزمان به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه می‌شد. شکی‌های مامور ای‌اچ‌ای عربی منطقه شیخ‌ها که دیروز کنفرانس مطبوعاتی جدید مطرح‌کردند، به گزارش‌های تصویری خبرگزاری جمهوری اسلامی، شبکه‌های الجزیره، اروپایی و المستقبل و العربیه، المانار، شبکه‌های تلویزیونی داخلی لبنان این کنفرانس مطبوعاتی را پوشش دادند.

خاتمی در این کنفرانس مطبوعاتی به تشریح موضوع حضور جمهوری اسلامی ایران تأیید و به مسائل منطقه از جمله حزب‌الله لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان پرداخت. خاتمی گفت: همیشه برای من دیدار با اصحاب مطبوعات و رسانه‌های گروهی لذتبخش بوده است.

رئیس جمهوری اسلامی ایران گفت: با شما خبرنگاران که مسئولیت مهمی در احراز راستی‌ارزایدیدار می‌کنم و در کشور و سطح می‌گویم که اکنون آن‌ها نهان به قلم و آزادی است.

خاتمی پیش از آغاز پرسش‌های خبرنگاران گفت: تا به چه مسئولیت و نقش مهم اصحاب رسانه‌های گروهی در دنیا، خود من دردی در یکی از بزرگترین روزنامه‌های ایران کار کردم، از همین رو احساس می‌کنم که ملوث‌تر رس‌های جمعی و ارائه حقایق در آگاه کردن عموم عیش مهمی

رئیس جمهوری اضافه کرد: یکی از امتیازهای لبنان آرایش بیان و طرح افکار و کینه‌هاست و من خوشحالم که فرصتی به دست آمد تا این کشور دیدم.

خاتمی خاط نشان ساخت: قدرانی خود را از رئیس جمهوری، دولت و مردم لبنان اعلام می‌کنم و امیدوارم که با توجه به شرایط حساس کنونی در خاورمیانه، این دیدار زمینه‌پسند هر چه بیشتر ایران و لبنان را فراهم کند.

در نخستین پرسش، خبرنگار روزنامه «لبنانی‌اللاه» پرسید: حقیقت گفت‌وگوهای ایران آمریکا در این باره چیست؟ خاتمی پاسخ داد: این گفت‌وگوها به معنر معمله‌تصغیر مجامعین خلق (منافقین) در برابر عدم دخالت ایران در عراق، شد؟ پرسید؟

رئیس جمهوری خاط نشان ساخت:

دوستی-

هیچ دلیلی برای توقف احداث نیروگاه بوشهر وجود ندارد

خبرگزاری ایترانس از مسگر گزارش داد: الکساندر رومانیشف وزیر انرژی رومنی همسایه اعلام کرد: هیچ دلیلی برای توقف کردن کار ساختمان اولین اکتویر نیروگاه هسته‌ای ایران وجود ندارد.

افزود: وزارت انرژی رومنی به دقت اجرای برنامه هسته‌ای ایران را که در آن کارشناسان رومنی در حال نصب اولین مجموعه ریزور در یک نیروگاه هسته‌ای بوده‌اند هستند. ریزور در درو میانشفت گفت: طرف ایرانی در جریان تمامی کارهای منطقه ای خود به ما باطمینان داده است که برنامه هسته‌ای ایران کاملاً از مسیر امن است. علاوه بر این آنچه که در حال حاضر توسط کارشناسان رومنی در این ساخته می‌شود تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد و طرف ایرانی تضمین داده است که قصد دارد تا نصب آزمایشی دستگاه غنی‌سازی ایزوتوپ را در شهر نطنز به محض دریافت مواد هسته‌ای تحت نظارت آن انرژی اتمی قرار دهد.

کرای:

دوستی با ایران در سطح منطقه و جهان اهمیت خاص خود را دارد

«حامد کرزای» رئیس دولت انتقالی افغانستان اعلام کرد: دوستی روابط بین افغانستان با کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رئیس دولت انتقالی افغانستان بعد از ظهر سه‌شنبه در دیدار «محمد ابراهیم مسعود» سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل گفت: افغانستان دوست دوستی به سایر کشورهای همسایه دارد و کرده و برای روابط با تهران اهمیت ویژه‌ای قائل است. رئیس دولت انتقالی افغانستان همچنین گفت: دولت و ملت افغانستان از کمک‌های ایران به این کشور در مقاطع مختلف تاریخی به ویژه دوران دشوار تشنگا قدرتمانی می‌کنند.



Email: international@yaasnow.com

سازمان ملل: گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در چارچوب «گروه ژنو» صورت گرفت

خبرگزاری فرانسه از ژنو گزارش داد: یک سخنگوی سازمان ملل روز سه‌شنبه اعلام کرد که گفت‌وگوهای سری بین آمریکا و ایران در چارچوب «گروه ژنو» گروهی متشکل از هشت کشور برای نظارت بر امور افغانستان صورت پذیرفته است.

«ماری هیوز» سخنگوی اصلی سازمان ملل در ژنو به خبرنگاران گفت: «من برای آنچه که اتفاق افتاده، لفظ مذاکره را به کار نمی‌برم، بلکه این کار بیشتر در زمینه تسهیل امر گفت و گو بوده است.» «گروه ژنو» در سال ۲۰۰۰ به عنوان اجلاس غیر رسمی در زمینه مسائل افغانستان تشکیل شد. کشورهای ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، پاکستان، ازبکستان و نیز آمریکا و روسیه در این گروه عضویت دارند.

خاتمی: مذاکرات ایران و آمریکا ۲ هفته‌ای که ادامه دارد

- خاتمی: مذاکرات دوساله ایران و آمریکا به روابط دوجانبه تهران-واشنگتن مربوط نمی‌شود**
- توافق آمریکا با گروه تروریستی منافقین نحوه نگارش آن کشور در زمینه تروریسم را روشن می‌سازد**

همه لبنان در میان تاریخ و من به مردم این کشور ترکیبی می‌گویم و معتقدم اگر قوانین بین‌المللی توسط همه کشورها اجرا شود، جهانی برای شفاگری نیست.

خاتمی اضافه کرد: دولت متشکله ما شاهد چنین مسائلی نشینیم و از همین رو اشغال بخش‌هایی از سرزمین سوریه، فلسطین و لبنان را مشاهده می‌کنیم و رژیم صهیونیستی همچنان بر سیاست اشغالگری خود اصرار می‌ورزد.

بنابر این مقاومت در برابر اشغالگران حق طبیعی و یک تکلیف ملی است و لبنان نیز بر مقاومت توانست دشمن تجاوزگر را از مرزهایش عقب براند اما همچنان بخشی از زمین‌های لبنان زیر اشغال است و تا زمانی که وضع این گونه نباشد، مقاومت علیه اشغالگر قابل تقدیر و احترام است.

بنابر این مقاومت مردم لبنان را مقاومت قهرمانانه می‌دانیم و معتمدیم تا زمانی که اشغالگری در وجود خود دارد مقاومت نیز خواهد بود.

خبرنگار روزنامه «الهار» پرسید: آقای رئیس‌جمهور، چنانچه تهدیدهای آمریکا علیه ایران، سوریه و لبنان را محکوم کردید، آیا در مذاکرات خود با مقام‌های لبنانی درباره چگونگی رواداری با این تهدیدها گفت‌وگو کردید؟ به ویژه بیشتر تهدیدهایی که علیه لبنان شنیده می‌شود به آوری سلاح از دست حزب‌الله باز می‌گردد.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.

خاتمی گفت: آنچه در منطقه ما تهدید شمرده می‌شود وجود اسرائیل است که ده‌ها سال‌ها در منطقه حاضر است. اسرائیل به عنوان یک کشور و یک ملت با تمام حقوق خود، باید به رسمیت شناخته شود. اسرائیل به عنوان یک کشور، باید به رسمیت شناخته شود.



صاحب امتیاز و مدیر مسؤول محمدنعمی پور	نمایندگان: ۸۹۰۹۵۴۱	اوقات تشریعی:
زیر نظر شورای سردبیری	تلفن گروه سیاسی: ۸۹۰۵۱۳۶	انان تفریح: ۱۳/۱
چاپ: چاپ کستر	تلفن گروه اقتصادی: ۸۸۰۵۷۶۰	انان مغرب: ۲۰/۲۲
نشانی: خیابان طالقانی - شماره ۱۳۰		انان صبح فردا: ۲/۲۱
		طوبق انان فردا: ۵/۵۹

نوشتر آخر

داود محمدی

تهدیدها و راهکارها

عرصه سیاست بین الملل، محل تلاقی تحلیل های اغلب متعارض دیپلمات ها است و به طور طبیعی، شماری از این تحلیل ها، عین واقعیت و پاره ای دیگر، ناوراثی و همراه کننده محسوب می شوند. اما از آنجا که محک و معیار قابل اطمینانی برای تمیز و تشخیص تحلیل های درست از نادرست وجود ندارد، هر بازیگر سیاست بین الملل، پیشاپیش صحت محتوای تحلیل خویش را پذیرفته و بر مبنای آن به ترسیم اهداف و اقدامات دیپلماتی مطلوب می پردازد. هم از این رو، ارزیابی دیپلماتی هر کشور و پیش بینی گام های بعدی آن در قبال سایر واحدهای سیاسی، بدون شناسایی و تجزیه و تحلیل مفروضات بنیادین مسلط بر آذهان راهبران دیپلماتی آن کشور، امکان پذیر نیست و عدم توجه به این نکته اساسی، فرصت دستیابی به روش های مقابله چوینانه کارآمد را از رفقای کشور فوق، سلب می نماید البته، ناگفته پیداست که تلاش برای فهم و تبیین دقیق مبانی تحلیل دیپلمات های کشور رقیب، به معنای تأیید محتوای آن تحلیل و یا تائفی حفظ موضع انتقادی نسبت به آن نیست.

از این منظر، بایستی اذعان کرد که البته ارزیابی های داخلی ارانه شده پیرامون دیپلماتی آمریکا علیه ایران، صدتاً تبیین رفتار دیپلماتیک کاخ سفید از زاویه پاورها و ذهنیت ایرانیان بوده است. هرچند، این گونه ارزیابی ها در بر گیرنده واقعیت هایی قابل ملاحظه بوده و ضرورت وجودی آن برای صیانت از منافع ملی انکارناپذیر است، اما منعکس کننده تمام و کمال تحلیل غالب بر افکار دولتمردان آمریکایی نیست. همین کاستی، باعث شده تا دیپلماتی ایران و تبلیغات جهانی مبتنی بر آن علی رغم کارآمدی و نکات مثبت خود، ناخواسته، بخشی از اتهامات متزلزل آمریکا را بی پاسخ گذارد و به قسمتی دیگر از این اتهامات، پاسخ های نامرتب یا محتوای آن، ارائه دهد و یا موضوعاتی مورد تأکید قرار گیرد که الزاماً، پاسخ مؤثر به اتهام های آمریکا تلقی

یاس روز

کیوان زرگری

Kzargan2002@yahoo.com



E-mail: cartoon@yaasnow.com

فرزند عباس عبدی از نگارنی

خاتواده خود نسبت به وضعیت نامعلوم

عبدی خبر داد:

مریم عبدی در گفت و گو با خبرنگار «یاس» ن و اعلام کرد: خانواده آقای عبدی بر مبنای اطلاعاتی که بدست آورده اند به شدت نگران وضعیت و سلامت ایشان هستند و من اعلام می کنم که مسؤولیت سلامتی ایشان با مقامات دستگاه قضایی است. وی تأکید کرد: علی رغم ادعای مسؤولان پرونده بدم به هیچ عنوان از حضور وکیل خود در دادگاه رسیدگی به

را ضروری می سازد. با این اوصاف، مهم ترین راه مقابله با فشارهای دیپلماتیک و تبلیغی آمریکا، آن است که دیپلماتی ایران، کامکان و با جدیت بیشتری بر موضع مخالفت ایران با ترویرسم بشود. شری تأکید نباید و از مستندسازی

اتهامات آمریکا علیه ایران، به وسیله تبلیغات و موضعگیری های دندروانه و غیرمؤثرانه احتمالی معدودی سختگویان و تریبون های لاقید نسبت به منافع ملی ایران، مسامحت به عمل آورد و دستاویز تبلیغی برجسته سازی دوگانگی موضع نظام ایران در قبال آمریکا، فلسفه وجودی و تأثیر گذاری خود را از دست دهد. همزمان، لازم است ایران برای اثبات سبطیره حاکمیت ظهور بر تمامی اجزایی که زیرمجموعه های آن تلقی می شوند، از بروز و ظهور هر گونه تبلیغ و ادعایی که شائبه فعالیت گروه های خووسر غیرقابل مهار و ذی نفوذ از آن استنباط شود، به طور جدی صمانت نماید. ابطال ادعای وجود شکاف بین حاکمیت و ملت نیز با تمکین آفابنی زیاده راز در برابر اراده ملی، احترام به آرای اکثریت و آزادی بیان، قابل وصول است و البته در تحقق این امر، مسؤولیت نهادهای قدرت در پیشگیری از تنش آفرینی های داخلی این اقلیت، مضایقت است. در صورت رعیت یافتن شرایط فوق و یا حداقل بر این شدن تبلیغات ضد ایران آمریکا در سطح جهان، می توان امیدوار بود که بر پابند وحدت داخلی ایرانیان و مسطح دیگران، قدرت های سیاست بین الملل از ایرانی برمسالاره، واکنشکن دچار به تغییر سیاست خود نسبت به ایران شود. تردیدی نیست که کوشش برای معیاب سازی تبلیغی و عملی جهانیان در زمینه عدم حمایت ایران از ترویرسم، عدم دوگانگی دیپلماتی ایران، مهار و محو گروه های خووسر داخلی و تقرب مطالابث ملت با مسکلمر حاکمیت، دقیقاً متعقی با الزامات متاع ملی است و پستر موافقتاده مغرضانه آمریکا از برخی تحولات داخلی ایران را خواهد خشکاند.

عضوهای تحقیق و تفحص از صداوسیما:

درآمد آگهی های صداو سیما به حساب خزانه واریز نشده است

گروه سیاسی، علی اصغر های زاده عضو هیات تحقیق و تفحص از صداوسیما با اعلام این که متوزان سازمان پاشخی به موارد مطرحه در گزارش مجلس نداده است، گفت: ما اعتقاد داریم که درآمد آگهی های این سازمان به حساب خزانه واریز نشده و لذا صداوسیما باید پایاد به در این مورد از خود دفاع کند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی ما، وی دیروز در راهروى مجلس اظهارداشت: اسناد موجود در گزارش تحقیق و تفحص مجلس در مورد عملکرد مالی صداوسیما قابل دفاع در هر جای است.

وی با بیان این که صداوسیما می تواند برای روشن کردن آذهان نمایندگان در یک جلسه غیررسمی و غیرعلنی حضور پایاد، گفت: در عین حال از برگزاری میزگردی در صداوسیما با حضور اعضای هیأت تحقیق و تفحص استقبال می کنیم. های زاده در خصوص مقاومت صداوسیما نیز اظهارداشت: آنان هنگام دریافت اطلاعات را انجام تحقیق و تفحص در مقابل درخواست مقاومت کردند و اکنون هم طبعی است که اینگونه بایستند. وی در ادامه اظهارات اخیر رئیس کل دادگستری تهران درباره گزارش تحقیق و تفحص مجلس را قافه جایگاه قانونی دانست و افزود: چون ما در این تحقیق و تفحص به عنوان مدعی العموم عمل کرده ایم.

آکارویم سیاست

شعبه اینترنتی

معاون آموزش و تحقیقات دادگستری استان تهران خبر داد که در رابطه با جرایم اینترنتی در قوه قضائیه شعبه ای خاص راه اندازی شده که قضاات آن از مدت ها پیش به آموزش «علوم رایانه ای» پرداخته اند.

واکنش انقلابی

مسعود ده نمکی از اعضای سابق انصار حزب الله پیرامون ایده خروج از حاکمیت اصلاح طلبان علی رغم آنکه این طرح از رکنیه ووزی و دشمنی خوانده، خواستار واکنش سریع و انقلابی مدیریت کلان کشور کردید.

ISP ها از فیلتر گذاری سرباز زدند

باخبر شدیم که لیست ۳۳ سایت فارسی زبان در اختیار ISP ۲۱ که از سوی شرکت مخابرات طیبان مجوز داشتند قرار گرفته و از آن خواسته شده که این سایت ها را فیلتر گذاری کنند. اگر چه این لیست از جانب امور ا در تباطات دبنا شرکت مخابرات به ISP ها ابلاغ شده است اما مشخص نیست که دقیقاً توسط چه افرادی این لیست تهیه شده است. با این حال شنیده ها حاکی است که برخی از ISP ها از فیلتر گذاری سایت ها سرباز زدند و همین امر باعث گردید که به استناد «قانون منع استفاده از ماهواره» آنها را پلیمب کنند.

افشاکری سی ان ان

روزنامه الوطن، در یادداشتی به تهدیدات آمریکا علیه ایران پرداخت و تأکید کرد که جنگ آمریکا در عراق نه فقط برای تغییر رژیم عراق، بلکه برای تغییر تمام رژیم های منطقه خاور میانه است تا بر اساس آن دولت هایی حاکم گردند که اسرائیل را به رسمیت بشناسند. الوطن ادعا کرده است که این امر را شبکه تلویزیونی سی ان ان در گفت و گویی افشا کرده است.

درگیری در سخترانی جلایی پور

سخترانی حمیدرضا جلایی پور روز دوشنبه در اصفهان به تشنج و درگیری کشیده شد. جلایی پور که در همایش ۳ روزه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان شرکت کرده بود، وقتی موضوع علاقه مدنی دست دادن کلینتون رئیس جمهوری سابق آمریکا با خانمی را تعریف کرد، با شعار «مرگ بر ساز شکار» عده ای قلیل رویه رو شد. در ادامه نیز مخالفان و موافقان دیدگاه جلایی پور به درگیری با هم پرداختند و عده ای «حسین حسین شعار ماست» و عده ای دیگر شعار «خشونت تحجر فرق علی را شکاف» سر دادند.

جایزه یک نشریه به سینا مطلبی

نشریه دایمزشک در توضیحی به یاس نو یاد آور شد: لوح تقدیر این نشریه توسط مدیر مسؤول آن آقای دکتر سید جاوید آل داوود به سینا مطلبی تقدیم شد.

تقراری بکاهد. ما مطمئنم که نگهداری نشان به صورت تقراری حتی پس از پایان دادگاه فقط برای اعمال فشار است. وی افزود: نکته جالب توجه اینجاست که منعم رفیع اولی پرونده یک هفته به مرخصی آمده است. به ما نیز وعده و وعده داده اند و ما هم همه مدارک مورد درخواست قاضی را تهیه کرده ایم اما من نمی دلم در حالی که هنوز اجازه نمی دهند یا وکیل خود ملاقات خصوصی داشته باشد. چگونه می خواهد به وی مرخصی بدهد. به حال اکنون حدود ۳ ماه است که ما آقای عبدی هیچ تماس و ملاقاتی نداشته ایم.

حسین واله

ورود نهادهای حافظ پایه های نظام به مسائل

روزمره به پیکره سیاسی لطمه می زند

ورود نهادهایی که صیانت از پایه های ثابت نظام سیاسی را برعهده دارند، به مسائل روزمره پیش از اینکه به وحدت ملی صدمه بزند به مجموعه پیکره سیاسی لطمه می زند. حسین واله، معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور در گفت و گو با یسنا یادآور شد: نهادهایی چون قوای مسلح، قوه قضائیه و شورای امنیت ملی باید درسطحی بالاتر از تحولات متاثر از عرصه سیاسی روزمره قرار گیرند و مسائل کلان کشور و چارچوب نظام را حفظ کنند.

به اعتقاد وی، ورود نهادهای این چنینی که صیانت از پایه های ثابت نظام سیاسی را برعهده دارند، به مسائل روزمره، پیش از اینکه به وحدت ملی صدمه بزند به مجموعه پیکره سیاسی لطمه می زند، چرا که با واگذاری نقش های تالیفیه این نهادهای آنان از انجام نقش اولیه خود باز می مانند و مو قعشتان تضعیف می شود، بدین سان چارچوب اصلی نظام مصون نخواهد ماند چرا که نظام سیاسی بدون این نهادهای مثاشی می شود و پس از آن موضوع کار سیاسی نیز منتفی می شود و مبدایی برای فعالیت سیاسی باقی نمی ماند.

معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور با اظهار تعجب از اینکه در ایران به این مسأله کم توجهی می شود تصریح کرد: در هر نظام سیاسی در جهان مدرن فرض بر این است که نهادهای قضائیه فراتر از تمامی تحولات و گرایش هاست، این نهادهو متعقب است که از مرزهای اساسی و پایه های نظام حراست کند و مراقب باشد تا تخطی و عمل خلاف قانونی صورت نگیرد چنین نهادی زمانی می تواند در رفقای نقش خرم موفق باشد که نظریات و آرای قضات این قوه مورد تأیید و اعتماد مردم جامعه باشند و این زمانی میسر می شود که این نهاد در مسند خود محفوظ بماند و وارد معارضات عرصه سیاسی نشود.

مزروعی: حاضر به مناظره زنده هستیم

گروه سیاسی: علی مزروعی عضو فراکسیون مشارکت درخصوص پیشنهاد

مناظره رضا عبداللهی که هفته پیش طی یک نطق پیش از دستور اعلام کرده بود، گفت: ما کمافی السایر راجع به عملکرد اصلاح طلبان در مجلس و دولت حاضر به مناظره با آقای عبداللهی یا هر کس دیگر در صداوسیما البته به صورت زنده هستیم.

به گزارش خبرنگار پارلمانی ما، وی که دیروز در راهروى مجلس مصاحبه می کرد، افزود: حداقل این بود که چون پیشنهاد مناظره را آقای عبداللهی به عنوان فراکسیون اقلیت داده بود، صداوسیما از آن استقبال می کرد در حالی که آنها به هیچ وجه حاضر به مناظره با ما نیستند. مزروعی در خصوص اطلاعیه اخیر روابط عمومى صداوسیما که به طور مشخص حزب مشارکت را متهم کرده است، اظهارداشت: این نوع وارد موضوع شدن و دیگران را متهم کردن مفهومی اش این است که آنها اتهامات خود را پذیرفته اند و چون دفاع منطقی ندارند، دیگران را متهم می کنند. عضو فراکسیون مشارکت در عین حال افزود: صدو چنین اطلاعیه ای نشان داد که صداوسیما دارد کاملاً مثل یک حزب سیاسی عمل می کند.

مدیرکل سیاسی وزارت کشور:

به واسطه سرخوردگی مردم حتی تصویب لوایح نیز تضمین کننده مشارکت مردم نیست

مدیر کل سیاسی وزارت کشور با تأکید بر نقش تأثیر گذار لوایح پیشنهادی رئیس جمهور با دست دادن زمان را عامل غیر مؤثر شدن آنها برشمرد.

علی باقری در گفت و گو با یسنا با تأکید بر نقش این لوایح در سازکارهای سیاسی کشور گفت: این دولاچه دو هدف مهم و مکمل یکدیگر را در جهت بسط و توسعه مشارکت سیاسی و مساعدشدن بسترهای مشارکت واقعی مردم، دنبال می کنند.

وی از لایحه اصلاح قانون انتخابات به عنوان تضمین کننده حضور مردم در انتخابات نام برد و افزود: باید تصویب قانون تبیین اختیارات رئیس جمهور نیز این ابتعاد می شود تا به دفاع از حقوق مسلم مردم بپردازد.

مدیر کل سیاسی وزارت کشور اضافه کرد: شاید در صورتی که موضوع تصویب این لوایح یک یا دو سال قبل تر مطرح می شد، قدرت موج آفرینی و تأثیر آن بر تقویت جنبه های مربوط به مشارکت سیاسی، بیشتر از امروز دیده می شد. اما در حال حاضر، به واسطه سرخورده گی های موجود، این امکان وجود دارد که تصویب لوایح نتواند تأمین و تضمین مشارکت های حاکمتری جامعه را به دنبال داشته باشد. اما به هر حال این لوایح در جای خود مؤثر هستند و باید با استفاده از عوامل دیگر به تکمیل آنها پرداخت.